

Identification and Prioritization of Barriers to the Development of Volleyball in Iraq

1. Amir Hossein Monazami^{*}: Associate Professor, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran
2. Karrar Haidar Mazlum^{*}: MA Student, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran
3. Abbas Nazarian Madavani^{*}: Associate Professor, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email Address: a.h.monazami@sru.ac.ir

Abstract:

The present study aimed to identify and prioritize managerial, infrastructural, economic, human-resource, socio-cultural, and legal-institutional barriers affecting the development of volleyball in Iraq. This applied study employed an exploratory sequential mixed-methods design. In the qualitative phase, 10 experts in volleyball and sport management in Iraq were selected through purposive sampling, and data were collected using semi-structured interviews and analyzed through thematic analysis. In the quantitative phase, a researcher-developed 30-item questionnaire covering six dimensions was constructed based on the qualitative findings. The quantitative population included volleyball managers, coaches, referees, experts, and technical committee members in Iraq, of whom 384 were selected through stratified random sampling. The data were analyzed using partial least squares structural equation modeling in SmartPLS. Structural model results showed that economic barriers had the strongest significant relationship with the overall barrier construct ($\beta=0.946$, $t=51.904$, $P<0.001$). Human-resource barriers ranked second ($\beta=0.877$, $t=26.846$, $P<0.001$), followed by socio-cultural barriers ($\beta=0.786$, $t=24.840$, $P<0.001$) and legal-institutional barriers ($\beta=0.670$, $t=8.285$, $P<0.001$). In contrast, managerial barriers ($\beta=-0.678$, $t=1.670$, $P=0.095$) and infrastructural barriers ($\beta=-0.654$, $t=0.995$, $P=0.320$) were not statistically significant. Accordingly, economic, human-resource, socio-cultural, and legal-institutional barriers occupied the highest priority positions. Volleyball development in Iraq appears to be constrained primarily by economic limitations and weaknesses in human resources. Therefore, sustainable financing policies, stronger private-sector participation, systematic development of coaches and referees, improved talent identification, greater social participation, and more effective institutional mechanisms are recommended to reduce development barriers and facilitate the advancement of volleyball in Iraq.

Keywords: Volleyball, sport development, economic barriers, human resources, structural equation modeling, Iraq.

How to Cite: Monazami, A. H., Haidar Mazlum, K., & Nazarian Madavani, A. (2026). Identification and Prioritization of Barriers to the Development of Volleyball in Iraq. *Management, Education and Development in Digital Age*, 3(3), 1-23.



شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه ورزش والیبال در کشور عراق

۱. امیرحسین منظمی^{۱*}: دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

۲. کرار حیدر مظلوم^۲: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

۳. عباس نظریان مادوانی^۳: دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: a.h.monazami@sru.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی موانع مدیریتی، زیرساختی، اقتصادی، منابع انسانی، اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی مؤثر بر توسعه ورزش والیبال در کشور عراق بود. این پژوهش کاربردی با رویکرد آمیخته اکتشافی متوالی انجام شد. در بخش کیفی، ۱۰ نفر از خبرگان حوزه والیبال و مدیریت ورزشی عراق به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با روش تحلیل مضمون بررسی شد. در بخش کمی، بر اساس یافته‌های کیفی، پرسشنامه محقق‌ساخته ۳۰ گویه‌ای در شش بعد تدوین شد. جامعه کمی شامل مدیران، مربیان، داوران، کارشناسان و اعضای کمیته‌های مرتبط با والیبال عراق بود و ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار SmartPLS تحلیل شدند. نتایج مدل ساختاری نشان داد که موانع اقتصادی قوی‌ترین رابطه را با سازه کلی موانع داشتند ($\beta=0.946$, $t=51.904$, $P<0.001$). پس از آن، موانع منابع انسانی ($\beta=0.877$, $t=26.846$, $P<0.001$)، اجتماعی-فرهنگی ($\beta=0.786$, $t=24.840$, $P<0.001$) و حقوقی-نهادی ($\beta=0.670$, $t=8.285$, $P<0.001$) دارای روابط مثبت و معنادار بودند. در مقابل، مسیر مربوط به موانع مدیریتی ($\beta=-0.678$, $t=16.70$, $P=0.095$) و موانع زیرساختی ($\beta=-0.654$, $t=0.995$, $P=0.320$) از نظر آماری معنادار نبود. بر این اساس، موانع اقتصادی، منابع انسانی، اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی به‌ترتیب در اولویت‌های بالاتر قرار گرفتند. نتایج نشان داد که توسعه والیبال در عراق بیش از هر چیز تحت تأثیر محدودیت‌های اقتصادی و ضعف منابع انسانی قرار دارد. بنابراین، تدوین سیاست‌های تأمین مالی پایدار، جذب بخش خصوصی، توسعه نظام آموزش مربیان و داوران، تقویت استعدادیابی، افزایش مشارکت اجتماعی و بهبود سازوکارهای نهادی می‌تواند نقش مهمی در کاهش موانع و تسریع توسعه این رشته ورزشی داشته باشد.

کلیدواژه‌گان: والیبال، توسعه ورزش، موانع اقتصادی، منابع انسانی، مدل‌سازی معادلات ساختاری، عراق.

نحوه استناددهی: منظمی، امیرحسین، حیدر مظلوم، کرار، و نظریان مادوانی، عباس. (۱۴۰۵). شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه ورزش والیبال در کشور عراق. مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال،

۳(۳)، ۲۳-۱.



مقدمه

ورزش در جوامع معاصر از یک فعالیت صرفاً جسمانی فراتر رفته و به یکی از حوزه‌های مهم اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی تبدیل شده است. توسعه ورزش در سطح ملی می‌تواند با ارتقای سلامت عمومی، افزایش مشارکت اجتماعی، شکل‌گیری هویت جمعی، تقویت سرمایه اجتماعی، ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه صنایع وابسته به ورزش همراه باشد. از این منظر، توسعه پایدار ورزش مستلزم وجود ساختارهای مدیریتی اثربخش، منابع انسانی متخصص، زیرساخت‌های مناسب، حمایت‌های مالی پایدار، قوانین و سیاست‌های منسجم و همچنین مشارکت فعال نهادهای دولتی و غیردولتی است. نگاه جدید به ورزش، به‌ویژه در چارچوب توسعه پایدار، بر آن است که سازمان‌های ورزشی باید از الگوهای سنتی اداره فاصله گرفته و از رویکردهای نوآورانه، کارآفرینانه و مبتنی بر ظرفیت‌سازی استفاده کنند. در همین راستا، تأکید بر کارآفرینی، نوآوری در آموزش‌های ورزشی و ایجاد ارتباط میان توسعه ورزش و اهداف توسعه پایدار، می‌تواند زمینه ارتقای کیفیت مدیریت و بهره‌برداری از ظرفیت‌های ورزشی را فراهم کند (Al-Hasnawi et al., 2026). همچنین، پیوند میان توسعه ورزش و نظام اقتصادی اهمیت فزاینده‌ای یافته است؛ به گونه‌ای که سرمایه‌گذاری هدفمند، ایجاد ارزش اقتصادی و شکل‌گیری تعامل میان سازمان‌های ورزشی، بازار و جامعه از عوامل مهم پایداری توسعه ورزش تلقی می‌شوند (Zbiljic & Isakovic, 2025).

در این میان، والیبالی یکی از رشته‌های تیمی پرطرفدار در جهان است که توسعه آن نیازمند هماهنگی میان ابعاد فنی، مدیریتی، اقتصادی، آموزشی و اجتماعی است. ماهیت فنی و رقابتی والیبالی موجب شده است که پرورش بازیکنان، مربیان و داوران متخصص، برخورداری از نظام استعدادیابی منظم، دسترسی به سالن‌ها و تجهیزات استاندارد و وجود مسابقات سازمان‌یافته از الزامات اصلی پیشرفت این رشته باشند. در سطح قهرمانی نیز عملکرد بازیکنان والیبالی به مجموعه‌ای از ویژگی‌های جسمانی و مهارتی وابسته است و طراحی نظام‌های تمرینی و ارزیابی مناسب، بخش مهمی از فرآیند توسعه ورزشکاران محسوب می‌شود. پژوهش‌های تخصصی در زمینه والیبالی نشان داده‌اند که عملکرد ورزشکاران نخبه را می‌توان از طریق آزمون‌های اختصاصی متناسب با ماهیت تلاش‌های تکرارشونده این رشته ارزیابی کرد و این امر ضرورت برخورداری از نظام‌های علمی تمرین، سنجش و آماده‌سازی ورزشکاران را برجسته می‌سازد (Sheppard, 2007). بنابراین، توسعه والیبالی تنها با افزایش تعداد تیم‌ها یا برگزاری مسابقات تحقق نمی‌یابد، بلکه نیازمند یک نظام یکپارچه است که از مرحله استعدادیابی تا آموزش، مسابقه، مدیریت، بازاریابی و حمایت نهادی را در بر گیرد.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه والیبالی، کیفیت نظام استعدادیابی و پرورش استعدادها است. شناسایی استعدادها و ورزشی در سنین مناسب و فراهم کردن مسیر رشد مستمر برای آنان می‌تواند تأثیر مستقیمی بر سطح فنی تیم‌های باشگاهی و ملی داشته باشد. در مقابل، ضعف ساختارهای استعدادیابی، نبود برنامه‌های منظم آموزشی و ناکارآمدی مدیریت زمان و فرآیند توسعه استعداد می‌تواند رضایت ذی‌نفعان و اثربخشی نظام والیبالی را کاهش دهد. در مطالعه‌ای که مستقیماً در بستر والیبالی عراق انجام شده است، نقش مدیریت زمان و کیفیت نظام توسعه استعداد در رضایت ذی‌نفعان مورد تأکید قرار گرفته و نشان داده شده است که کیفیت فرآیندهای مرتبط با پرورش استعداد و مدیریت منابع می‌تواند بر ارزیابی ذی‌نفعان از عملکرد نظام والیبالی اثرگذار باشد (Haidar Eissa et al., 2023). چنین شواهدی نشان می‌دهد که در عراق، توسعه والیبالی باید از سطح برنامه‌های پراکنده فراتر رفته و به سمت ایجاد نظامی منسجم برای کشف، آموزش، حفظ و ارتقای استعدادها و ورزشی حرکت کند.

در کنار استعدادیابی، کیفیت منابع انسانی یکی از ارکان اصلی موفقیت ورزش والیبالی محسوب می‌شود. مربیان، داوران، مدیران، کارشناسان فنی و نیروهای آموزشی هر یک بخشی از زنجیره توسعه این رشته را تشکیل می‌دهند. عملکرد مربیان به‌ویژه در سطح حرفه‌ای و قهرمانی نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد فنی بازیکنان دارد و از این‌رو شناسایی معیارهای مناسب برای ارزیابی و ارتقای عملکرد آنان اهمیت زیادی دارد. در پژوهشی درباره مربیان لیگ برتر والیبالی، مجموعه‌ای از شاخص‌های ارزیابی مربیان شناسایی، وزن‌دهی و اولویت‌بندی شد که اهمیت برخورداری از نظام‌های ارزیابی ساختاریافته و مبتنی بر معیارهای تخصصی را تأیید می‌کند (Sahebkar et al., 2022). از سوی دیگر، داوران نیز جزء مهمی از منابع انسانی والیبالی هستند و کیفیت داوری می‌تواند بر اعتبار مسابقات و سطح حرفه‌ای لیگ‌ها تأثیر بگذارد. به کارگیری فناوری‌های مبتنی بر رویدادهای ورزشی در آموزش و توسعه حرفه‌ای داوران والیبالی نشان داده است که فناوری می‌تواند در ارتقای مسیر آموزشی و حرفه‌ای آنان نقش داشته باشد (Ghezelsefloo & Alavi, 2022).

بنابراین، کمبود نیروی انسانی متخصص، فقدان دوره‌های آموزشی مستمر و نبود سازوکارهای حرفه‌ای برای ارزیابی و ارتقای مربیان و داوران می‌تواند به یکی از موانع جدی توسعه والیبال تبدیل شود.

توسعه ورزش همچنین به کیفیت برنامه‌ریزی راهبردی و حکمرانی در سازمان‌های ورزشی وابسته است. نبود برنامه‌های بلندمدت، تغییر مکرر مدیران، ضعف هماهنگی میان سازمان‌ها و عدم مشارکت ذی‌نفعان می‌تواند سبب پراکندگی منابع و کاهش کارایی سیاست‌های توسعه‌ای شود. در رویکردهای جدید مدیریت ورزش، برنامه‌ریزی راهبردی به‌عنوان ابزاری برای تعیین اهداف، تخصیص منابع، هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها و ارزیابی عملکرد مورد توجه قرار گرفته است. بررسی مدل‌های برنامه‌ریزی راهبردی برای توسعه تربیت بدنی و ورزش در مؤسسات آموزش عالی نشان می‌دهد که توسعه ورزش نیازمند برنامه‌ریزی ساختاریافته، همسویی اهداف سازمانی و استفاده هدفمند از منابع انسانی و زیرساختی است (Taghiyev et al., 2026). علاوه بر این، حکمرانی مشارکتی می‌تواند ظرفیت سازمان‌های ورزشی را برای حل مسائل پیچیده افزایش دهد؛ زیرا همکاری میان نهادهای مختلف دولتی، آموزشی و اجتماعی زمینه اشتراک منابع و مسئولیت‌ها را فراهم می‌سازد (Vahdani et al., 2026). در کشوری مانند عراق که ساختارهای ورزشی می‌توانند تحت تأثیر مسائل مدیریتی، نهادی و اقتصادی متعدد قرار گیرند، ضعف هماهنگی سازمانی و نبود حکمرانی مشارکتی ممکن است مانع اجرای مؤثر برنامه‌های توسعه والیبال شود. یکی دیگر از ابعاد مؤثر بر توسعه والیبال، ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری این رشته است. ورزش حرفه‌ای بدون برخورداری از منابع مالی پایدار، حمایت حامیان مالی، درآمدهای بازاریابی، حق پخش، فروش خدمات و مشارکت بخش خصوصی با محدودیت‌های جدی مواجه می‌شود. توسعه بازاریابی در لیگ‌های والیبال از جمله موضوعاتی است که در پژوهش‌های پیشین مورد توجه قرار گرفته است. ارائه مدل توسعه بازاریابی در لیگ برتر والیبال نشان داده است که نظام بازاریابی، ارتباط با هواداران، حمایت مالی و مدیریت بازار از عناصر مهم در توسعه پایدار لیگ‌های حرفه‌ای هستند (Sareshkeh et al., 2019). در شرایطی که یک رشته ورزشی در مقایسه با رشته‌های پرطرفدارتر از پوشش رسانه‌ای و حمایت مالی کمتری برخوردار باشد، باشگاه‌ها و فدراسیون مربوطه با محدودیت در جذب منابع، توسعه زیرساخت‌ها و حفظ استعدادها برتر مواجه خواهند شد. از این‌رو، توسعه والیبال عراق مستلزم ایجاد سازوکارهایی برای جذب سرمایه‌گذاری، گسترش بازار، افزایش جذابیت تجاری مسابقات و تقویت مشارکت بخش خصوصی است.

تحولات اقتصاد دیجیتال نیز فرصت‌های جدیدی را برای توسعه ورزش فراهم کرده است. توسعه کارآفرینی دیجیتال و شکل‌گیری استارت‌آپ‌های ورزشی می‌تواند زمینه ارائه خدمات نوآورانه، ایجاد بازارهای جدید، افزایش تعامل هواداران و بهره‌گیری از فناوری در مدیریت ورزش را فراهم کند. عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی دیجیتال و راهاندازی استارت‌آپ‌های ورزشی نشان می‌دهد که زیرساخت فناوری، ظرفیت‌های مدیریتی، محیط حمایتی و دسترسی به منابع مالی می‌توانند در گسترش کسب‌وکارهای نوین ورزشی نقش داشته باشند (Gol Ara et al., 2026). این موضوع برای توسعه والیبال نیز اهمیت دارد؛ زیرا بهره‌گیری از رسانه‌های دیجیتال، سامانه‌های آموزشی، تحلیل داده، بازاریابی آنلاین و خدمات هوشمند می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای ارتباط با هواداران و توسعه درآمدهای ورزشی ایجاد کند. بنابراین، ضعف در پذیرش فناوری و نبود زیست‌بوم کارآفرینی ورزشی ممکن است یکی دیگر از محدودیت‌های غیرمستقیم توسعه والیبال باشد.

در سطح بین‌المللی، ورزش علاوه بر کارکرد رقابتی، ابزاری برای تعاملات فرهنگی و دیپلماتیک نیز محسوب می‌شود. والیبال به دلیل گستردگی جغرافیایی و ساختار بین‌المللی مسابقات خود ظرفیت قابل توجهی برای توسعه روابط ورزشی میان کشورها دارد. مطالعه راهبردهای توسعه دیپلماسی بین‌المللی ورزش در فدراسیون والیبال نشان داده است که توسعه روابط بین‌المللی، تعامل با نهادهای جهانی، حضور فعال در رویدادهای برون‌مرزی و استفاده از ظرفیت دیپلماسی ورزشی می‌تواند موقعیت یک کشور را در ساختار بین‌المللی این رشته ارتقا دهد (Nassiri et al., 2022). برای والیبال عراق نیز توسعه روابط با فدراسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تبادل مربی و بازیکن، شرکت در دوره‌های آموزشی معتبر و میزبانی رویدادهای بین‌المللی می‌تواند به ارتقای ظرفیت‌های فنی و مدیریتی کمک کند. در مقابل، محدودیت تعاملات بین‌المللی یا ضعف ارتباطات نهادی ممکن است موجب کاهش فرصت یادگیری و انتقال دانش شود.

رویدادهای ورزشی همچنین می‌توانند بستری برای توسعه گردشگری، بازاریابی مقصد و ارتقای تصویر کشورها باشند. ارائه مدل توسعه گردشگری ورزشی در رویدادهای بین‌المللی والیبال نشان داده است که رویدادهای والیبال می‌توانند فراتر از حوزه رقابت، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کنند (Rahimi et al., 2016). میزبانی موفق مسابقات نیازمند سالن‌های استاندارد، خدمات پشتیبانی، امنیت، تبلیغات، نیروی انسانی آموزش‌دیده و هماهنگی میان نهادهای مختلف است. از این منظر، ضعف زیرساخت‌ها

نه تنها بر عملکرد فنی تیم‌ها، بلکه بر ظرفیت کشور برای میزبانی مسابقات و بهره‌برداری اقتصادی و اجتماعی از ورزش نیز تأثیر می‌گذارد. بنابراین، ارزیابی وضعیت زیرساخت‌های والیبال عراق باید علاوه بر تعداد سالن‌ها و تجهیزات، کیفیت بهره‌برداری، توزیع جغرافیایی و امکان میزبانی رویدادهای مختلف را نیز در نظر گیرد.

بعد اجتماعی و فرهنگی توسعه ورزش نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. میزان مشارکت مردم، نگرش خانواده‌ها، پوشش رسانه‌ای، فرصت‌های مشارکت زنان و جوانان و حضور ورزش در نظام آموزشی می‌توانند زمینه اجتماعی توسعه یک رشته را تقویت یا محدود کنند. مطالعات جدید درباره مداخلات ورزشی نشان داده‌اند که فعالیت‌های ورزشی می‌توانند آثار فراتر از آمادگی جسمانی داشته باشند و مهارت‌های اجتماعی و عملکرد روانی-حرکتی افراد را نیز توسعه دهند (Wen & Wu, 2025). همچنین استفاده از برنامه‌های چندگانه ورزشی می‌تواند هم‌زمان بر آمادگی جسمانی و مهارت‌های فردی اثرگذار باشد و نقش ورزش در فرآیند رشد چندبعدی افراد را برجسته سازد (Yu et al., 2025). از این منظر، افزایش مشارکت نوجوانان و جوانان در والیبال نه تنها برای تأمین پشتوانه ورزش قهرمانی، بلکه برای توسعه اجتماعی و آموزشی نیز اهمیت دارد.

توسعه ورزش در سنین پایه بدون توجه به عوامل روان‌شناختی نیز کامل نخواهد بود. اعتمادبه‌نفس، کاهش ترس از شکست، انگیزش، حمایت اجتماعی و تجربه مثبت از مشارکت ورزشی می‌توانند در تداوم فعالیت جوانان نقش داشته باشند. هرچند مطالعات روان‌شناختی در رشته‌های دیگر مانند فوتبال انجام شده‌اند، یافته‌ها نشان می‌دهند که ایجاد محیط‌های حمایتی و تقویت اعتمادبه‌نفس می‌تواند بخشی از فرآیند توسعه ورزشکاران جوان باشد (Sargsyan, 2026). این موضوع برای والیبال عراق نیز اهمیت دارد، زیرا حفظ استعدادهای نوجوان و جوان مستلزم آن است که فرآیند آموزش و رقابت صرفاً بر نتیجه مسابقات متمرکز نباشد و جنبه‌های روانی و انگیزشی رشد ورزشکاران نیز مورد توجه قرار گیرد.

در کنار توسعه داخلی، سیاست‌های یک کشور درباره انتخاب و حمایت از رشته‌های ورزشی نیز بر سرعت پیشرفت آن‌ها اثر می‌گذارد. تجربه توسعه رشته‌های رقابتی در کشورهای مختلف نشان داده است که ورود یا گسترش یک ورزش جدید نیازمند هدف‌گذاری روشن، استراتژی سازمانی، بسیج منابع، آموزش نیروی انسانی و ایجاد پذیرش اجتماعی است (Wu et al., 2025). بر این اساس، توسعه والیبال عراق نیز باید به‌عنوان یک فرآیند راهبردی تلقی شود که موفقیت آن به هماهنگی میان سیاست‌های ورزشی، سرمایه‌گذاری، توسعه نیروی انسانی و ظرفیت‌های اجتماعی وابسته است. اقدامات مقطعی و برنامه‌های کوتاه‌مدت، بدون وجود یک نقشه راه جامع، احتمالاً قادر به رفع موانع ریشه‌ای نخواهند بود.

از سوی دیگر، سیاست‌گذاری ورزشی زمانی اثربخش خواهد بود که مبتنی بر شناخت دقیق موانع، ظرفیت‌ها و تفاوت‌های زمینه‌ای باشد. هر کشور از ساختار اقتصادی، فرهنگی و نهادی خاص خود برخوردار است و نمی‌توان الگوهای توسعه ورزش را بدون توجه به شرایط محلی به‌صورت مستقیم انتقال داد. در عراق، عواملی مانند وضعیت منابع مالی، ساختار سازمان‌های ورزشی، کیفیت زیرساخت‌ها، میزان حمایت نهادهای رسمی، سطح مشارکت باشگاه‌ها و ظرفیت‌های انسانی می‌توانند به شیوه‌ای متفاوت از سایر کشورها بر توسعه والیبال اثر بگذارند. همچنین نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت والیبال نشان داده‌اند که رضایت ذی‌نفعان و کیفیت نظام توسعه استعداد ارتباط نزدیکی با شیوه مدیریت و سازماندهی این رشته دارند (Haidar Eissa et al., 2023). از این رو، شناسایی موانع توسعه والیبال در عراق باید بر مبنای داده‌های بومی و دیدگاه افراد درگیر در این حوزه انجام شود.

توجه هم‌زمان به همه ابعاد توسعه اهمیت دیگری دارد. اگرچه ممکن است در نگاه نخست کمبود سالن یا بودجه به‌عنوان مهم‌ترین محدودیت تلقی شود، اما ضعف نیروی انسانی، عدم هماهنگی نهادی، مشکلات قوانین اجرایی یا کمبود حمایت اجتماعی نیز می‌توانند موجب شوند منابع موجود به‌درستی به کار گرفته نشوند. توسعه پایدار ورزش مستلزم ایجاد هم‌افزایی میان اقتصاد، مدیریت و اهداف اجتماعی است و جدا کردن این حوزه‌ها از یکدیگر می‌تواند موجب کاهش اثربخشی سیاست‌ها شود (Zbiljic & Isakovic, 2025). همچنین، رویکردهای مبتنی بر نوآوری و کارآفرینی نشان داده‌اند که سازمان‌های ورزشی برای سازگاری با تغییرات محیطی باید ظرفیت یادگیری، ابتکار و توسعه روش‌های جدید را افزایش دهند (Al-Hasnawi et al., 2026). بنابراین، یک چارچوب جامع برای مطالعه موانع والیبال باید مجموعه‌ای از موانع مدیریتی، زیرساختی، اقتصادی، منابع انسانی، اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی را به‌صورت هم‌زمان مورد بررسی قرار دهد.

اهمیت اولویت‌بندی موانع نیز از آن جهت است که منابع سازمان‌های ورزشی محدود هستند و امکان مداخله هم‌زمان و یکسان در همه حوزه‌ها وجود ندارد. مدیران برای تخصیص مؤثر بودجه، نیروی انسانی و زمان نیاز دارند بدانند کدام موانع اثر بیشتری بر توسعه رشته دارند. تجربه اولویت‌بندی شاخص‌ها در حوزه ارزیابی مربیان والیبالیست‌ها نیز نشان داده است که تعیین وزن نسبی عوامل می‌تواند تصمیم‌گیری مدیریتی را هدفمندتر سازد (Sahebkar et al., 2022). همچنین، وجود برنامه راهبردی بدون تعیین اولویت‌ها ممکن است به توزیع پراکنده منابع منجر شود؛ در حالی که برنامه‌ریزی هدفمند بر شناسایی مسائل کلیدی و تمرکز بر عوامل دارای بیشترین اثر تأکید دارد (Taghiyev et al., 2026). در این چارچوب، اولویت‌بندی علمی موانع توسعه والیبالیست‌های عراق می‌تواند اطلاعات عملیاتی برای مدیران فدراسیون، هیئت‌ها، باشگاه‌ها و سیاست‌گذاران فراهم کند.

با وجود اهمیت والیبالیست‌ها و ظرفیت‌های بالقوه آن در عراق، مطالعات جامع اندکی به‌طور هم‌زمان ابعاد مختلف موانع توسعه این رشته را از منظر خبرگان و فعالان والیبالیست‌ها بررسی کرده‌اند. بخش قابل توجهی از مطالعات موجود بر حوزه‌هایی خاص مانند توسعه استعداد، عملکرد مربیان، داوران، بازاریابی، دیپلماسی ورزشی یا ابعاد فنی تمرکز داشته‌اند و کمتر پژوهشی تلاش کرده است تصویری یکپارچه از موانع مدیریتی، اقتصادی، زیرساختی، انسانی، اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی ارائه دهد. همچنین، صرف شناسایی موانع برای سیاست‌گذاری کافی نیست و تعیین اهمیت نسبی و اولویت آن‌ها برای تخصیص منابع ضروری است. بهره‌گیری از رویکرد آمیخته که در آن دیدگاه‌های عمیق خبرگان با شواهد کمی ترکیب می‌شود، می‌تواند این خلأ را تا حد زیادی برطرف سازد و شناختی معتبرتر از ساختار موانع ارائه دهد.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی موانع مدیریتی، زیرساختی، اقتصادی، منابع انسانی، اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی مؤثر بر توسعه ورزش والیبالیست‌ها در کشور عراق است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه ورزش والیبالیست‌ها در کشور عراق انجام شد و از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر شیوه اجرا، دارای رویکرد آمیخته اکتشافی متوالی کیفی-کمی بود. در مرحله کیفی، از روش تحلیل مضمون برای شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با موانع توسعه والیبالیست‌ها استفاده شد و در مرحله کمی، یافته‌های حاصل از بخش کیفی از طریق مطالعه پیمایشی و مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی اعتبارسنجی و اولویت‌بندی شدند. گردآوری اطلاعات در دو بخش کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفت. در بخش کتابخانه‌ای، کتاب‌ها، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های رسمی، اسناد مرتبط با ورزش و منابع علمی معتبر در زمینه توسعه ورزش، مدیریت ورزشی و والیبالیست‌ها بررسی شدند. در بخش میدانی نیز داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شد. جامعه آماری مرحله کیفی شامل خبرگان و صاحب‌نظران آشنا با ساختار ورزش و والیبالیست‌ها در عراق، از جمله مدیران و مسئولان فدراسیون والیبالیست‌ها عراق، رؤسا و دبیران هیئت‌های والیبالیست‌ها، مربیان سطح بالا و مدرسان والیبالیست‌ها و متخصصان مدیریت ورزشی دارای تجربه علمی یا اجرایی مرتبط با توسعه ورزش بود. مشارکت‌کنندگان این مرحله به روش نمونه‌گیری هدفمند و با رویکرد انتخاب خبرگان بر اساس معیارهایی نظیر برخورداری از تجربه حرفه‌ای در حوزه والیبالیست‌ها، سابقه فعالیت مدیریتی یا تخصصی، آشنایی با مسائل توسعه ورزش عراق و تمایل به مشارکت در پژوهش انتخاب شدند. مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت و پس از انجام ۱۰ مصاحبه، داده جدیدی که منجر به ایجاد مضمون یا مفهوم مستقل دیگری شود مشاهده نشد؛ از این رو حجم نمونه بخش کیفی ۱۰ نفر در نظر گرفته شد. در مرحله کمی، جامعه آماری شامل افراد فعال و مطلع در حوزه والیبالیست‌ها عراق، از جمله مدیران اجرایی فدراسیون و هیئت‌های والیبالیست‌ها، مربیان باشگاهی و ملی، داوران ملی و بین‌المللی، کارشناسان برنامه‌ریزی و توسعه ورزشی و اعضای کمیته‌های فنی و آموزشی مرتبط با والیبالیست‌ها بود. با توجه به گستردگی جامعه و با استفاده از فرمول کوکران برای جوامع بزرگ، با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد، مقدار Z برابر با ۱.۹۶، نسبت برآورد صفت برابر با ۰.۵۰، نسبت مکمل برابر با ۰.۵۰ و میزان خطای مجاز برابر با ۰.۰۵، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری در بخش کمی به روش تصادفی طبقه‌ای انجام گرفت تا گروه‌های اصلی فعال در والیبالیست‌ها عراق متناسب با سهم و حضور خود در جامعه آماری در نمونه پژوهش نمایندگی شوند. مشارکت در پژوهش داوطلبانه بود، هدف مطالعه برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و به آنان درباره محرمانه ماندن اطلاعات و استفاده از داده‌ها صرفاً برای اهداف علمی اطمینان داده شد.

برای گردآوری داده‌های پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. در مرحله کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با هدف دستیابی به درکی عمیق از موانع موجود در مسیر توسعه والیبال عراق و استخراج ابعاد و شاخص‌های مرتبط با آن انجام شد. چارچوب اولیه سؤالات مصاحبه بر اساس مبانی نظری، پیشینه پژوهش، اسناد مرتبط با توسعه ورزش و مسائل ساختاری و اجرایی والیبال تدوین گردید و سؤالاتی درباره وضعیت زیرساخت‌ها و تجهیزات ورزشی، ساختار مدیریتی و اجرایی، نگرش و حمایت مسئولان، محدودیت‌های اقتصادی و مالی، وضعیت منابع انسانی و شرایط محیطی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی مطرح شد. ماهیت نیمه‌ساختاریافته مصاحبه‌ها امکان طرح پرسش‌های تکمیلی متناسب با پاسخ هر مشارکت‌کننده را فراهم کرد تا تجربه‌ها، برداشتها و دیدگاه‌های تخصصی خبرگان به صورت دقیق‌تر استخراج شود. برای بررسی روایی محتوایی سؤالات مصاحبه، چارچوب اولیه در اختیار ۱۰ نفر از متخصصان مدیریت ورزشی و والیبال قرار گرفت و سؤالات از نظر وضوح، تناسب با اهداف پژوهش، جامعیت و میزان پوشش موضوع بررسی شدند و اصلاحات پیشنهادی پیش از اجرای نهایی مصاحبه‌ها اعمال شد. برای افزایش قابلیت اعتماد تحلیل کیفی نیز بخشی از داده‌های مصاحبه به صورت مستقل توسط پژوهشگر و یک کدگذار آشنا با تحلیل داده‌های کیفی کدگذاری شد و میزان توافق بین کدگذاران بررسی گردید؛ به گونه‌ای که دستیابی به ضریب توافق بالاتر از ۰.۷۰ به عنوان سطح قابل قبول پایایی در نظر گرفته شد.

در مرحله کمی، از پرسشنامه محقق ساخته‌ای استفاده شد که بر اساس نتایج تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، مرور مبانی نظری و بررسی پژوهش‌های پیشین تدوین شد. نسخه نهایی پرسشنامه شامل ۳۰ گویه در شش بعد بود؛ به طوری که هر یک از ابعاد موانع مدیریتی، موانع زیرساختی، موانع اقتصادی، موانع منابع انسانی، موانع اجتماعی-فرهنگی و موانع حقوقی-نهادی با ۵ گویه مورد سنجش قرار گرفت. پاسخ‌دهندگان میزان موافقت خود را با هر گویه بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» با امتیاز ۱ تا «کاملاً موافقم» با امتیاز ۵ مشخص کردند و کسب نمره بالاتر در هر بعد نشان‌دهنده شدت یا اهمیت بیشتر آن مانع در مسیر توسعه والیبال عراق بود. برای بررسی روایی محتوایی و ظاهری پرسشنامه، نسخه اولیه در اختیار ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی، مربیان و کارشناسان والیبال عراق قرار گرفت و آنان گویه‌ها را از نظر وضوح، سادگی، تناسب، جامعیت و ارتباط با ابعاد مورد بررسی ارزیابی کردند. پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی، نسخه نهایی پرسشنامه تدوین شد. پایایی درونی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد. مقدار آلفای کرونباخ برای موانع مدیریتی ۰.۸۶، موانع زیرساختی ۰.۸۸، موانع اقتصادی ۰.۸۴، موانع منابع انسانی ۰.۹۰، موانع اجتماعی-فرهنگی ۰.۸۵ و موانع حقوقی-نهادی ۰.۸۷ به دست آمد و ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه برابر با ۰.۹۳ بود که نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب ابزار است. همچنین پایایی ترکیبی سازه‌ها در چارچوب مدل اندازه‌گیری بررسی شد و مقادیر آن برای موانع مدیریتی ۰.۸۹، موانع زیرساختی ۰.۹۱، موانع اقتصادی ۰.۸۸، موانع منابع انسانی ۰.۹۲، موانع اجتماعی-فرهنگی ۰.۸۹ و موانع حقوقی-نهادی ۰.۹۰ بود و پایایی ترکیبی کل ابزار نیز ۰.۹۵ به دست آمد. علاوه بر این، در ارزیابی مدل اندازه‌گیری، روایی همگرا از طریق میانگین واریانس استخراج‌شده، پایایی ترکیبی، بارهای عاملی گویه‌ها و سایر شاخص‌های استاندارد مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت تا کفایت روان‌سنجی سازه‌های پژوهش پیش از آزمون مدل ساختاری تأیید شود. تحلیل داده‌ها متناسب با ماهیت آمیخته پژوهش در دو مرحله کیفی و کمی انجام شد. در مرحله کیفی، محتوای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته پس از پیاده‌سازی کامل، چندین بار مطالعه شد و با استفاده از روش تحلیل مضمون براون و کلارک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. فرایند تحلیل شامل آشنایی عمیق با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جست‌وجوی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و در نهایت تدوین گزارش تحلیلی بود. در مرحله نخست، متن مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه شد تا پژوهشگر با محتوای داده‌ها آشنایی کامل پیدا کند. سپس واحدهای معنایی مرتبط با موانع توسعه والیبال استخراج و کدگذاری اولیه شدند. کدهای دارای قرابت مفهومی در قالب مضامین فرعی سازماندهی شدند و مضامین فرعی مرتبط در سطوح مفهومی بالاتر به مضامین اصلی تبدیل گردیدند. در ادامه، ارتباط میان کدها، مضامین فرعی و مضامین اصلی مورد بازبینی قرار گرفت تا از انسجام درونی هر مضمون و تمایز مفهومی میان مضامین اطمینان حاصل شود. پس از تعریف و نام‌گذاری نهایی مضامین، شبکه مفهومی موانع توسعه والیبال شکل گرفت و این یافته‌ها مبنای طراحی پرسشنامه مرحله کمی قرار گرفتند. برای مدیریت، سازماندهی و کدگذاری داده‌های کیفی از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شد.

در مرحله کمی، داده‌های حاصل از ۳۸۴ پرسشنامه پس از بررسی، کدگذاری و آماده‌سازی برای تحلیل، ابتدا با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار توصیف شدند. سپس مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری پژوهش با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار SmartPLS مورد ارزیابی قرار گرفت. در ارزیابی مدل اندازه‌گیری، بارهای عاملی گویه‌ها، آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج‌شده بررسی شد و مقادیر

آلفای کرونیخ و پایایی ترکیبی برابر یا بیشتر از ۰.۷۰ و میانگین واریانس استخراج شده برابر یا بیشتر از ۰.۵۰ به عنوان شواهد کفایت پایایی و روایی همگرایی سازه‌ها در نظر گرفته شدند. روایی واگرا نیز با استفاده از شاخص‌های مناسب مدل اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. پس از تأیید مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری بر اساس ضرایب مسیر، آماره t ، سطح معناداری، ضرایب تعیین و شاخص‌های پیش‌بینی ارزیابی شد. معناداری ضرایب مسیر با استفاده از روش بوت‌استرپ بررسی گردید و سطح معناداری ۰.۰۵ ملاک تصمیم‌گیری آماری قرار گرفت. در نهایت، برای اولویت‌بندی موانع توسعه والیبال، علاوه بر میانگین امتیازات ابعاد، اندازه ضرایب مسیر و میزان اثر هر سازه در مدل ساختاری مورد توجه قرار گرفت و ابعادی که از ضریب اثر و اهمیت بیشتری برخوردار بودند در رتبه‌های بالاتر قرار گرفتند. ادغام نتایج حاصل از مرحله تحلیل مضمون و تحلیل کمی مدل ساختاری، امکان ارائه تصویری جامع از موانع مدیریتی، زیرساختی، اقتصادی، منابع انسانی، اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی مؤثر بر توسعه ورزش والیبال در کشور عراق و تعیین اولویت نسبی هر یک از این موانع را فراهم ساخت.

یافته‌ها

پس از پیاده‌سازی و مطالعه مکرر مصاحبه‌ها، کدهای توصیفی از واحدهای معنایی استخراج شدند و در مرحله بعد، بر اساس شباهت مفهومی و ماهیت محتوایی در قالب کدهای تفسیری طبقه‌بندی شدند. نتایج تحلیل مضمون نشان داد که موانع توسعه والیبال در عراق در شش بعد اصلی مدیریتی، زیرساختی، اقتصادی، منابع انسانی، اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی قابل طبقه‌بندی هستند. در بعد مدیریتی، ضعف سیاست‌گذاری و مدیریت ورزشی، بوروکراسی و فساد اداری و ضعف هماهنگی میان نهادهای ورزشی و آموزشی برجسته بود. در بعد زیرساختی، کمبود امکانات و تجهیزات و فرسودگی یا ناکافی بودن زیرساخت‌های ورزشی مطرح شد. محدودیت بودجه و حمایت مالی و ضعف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز هسته اصلی موانع اقتصادی را تشکیل دادند. در بعد منابع انسانی، کمبود مربیان و داوران متخصص، ضعف آموزش و توسعه منابع انسانی، ضعف نظام استعدادیابی و پایین بودن سطح فنی بازیکنان شناسایی شد. همچنین محبوبیت پایین‌تر والیبال نسبت به فوتبال و ضعف مشارکت اجتماعی و رسانه‌ای به عنوان مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی و ضعف اجرای قوانین و سازوکارهای نهادی به عنوان مانع حقوقی-نهادی استخراج شدند.

جدول ۱. کدهای تفسیری و توصیفی استخراج شده از مصاحبه‌ها

کد تفسیری	کد توصیفی	گزیده متن مصاحبه
بعد مدیریتی	ضعف سیاست‌گذاری و مدیریت ورزشی	سیاست‌های موجود عموماً ضعیف و ناکارآمد هستند و بیشتر بر پایه منافع شخصی و روابط غیررسمی شکل گرفته‌اند.
بعد مدیریتی	بوروکراسی و فساد اداری	این مشکلات عمدتاً ناشی از محدودیت‌های مالی بوده و با بوروکراسی اداری پیچیده و نیز فساد اداری و مالی در حوزه ورزش تشدید می‌شود.
بعد مدیریتی	ضعف هماهنگی بین نهادهای ورزشی و آموزشی	مراکز استعدادیابی نیز در این ساختار جای می‌گیرند. این مجموعه، نقشی اساسی در توسعه والیبال دارد.
بعد زیرساختی	کمبود امکانات و تجهیزات ورزشی	مهم‌ترین چالش‌ها شامل عدم تأمین تجهیزات و امکانات مناسب برای این رشته است؛ از جمله سالن‌های ورزشی، توپ‌ها و باشگاه‌های مجهز.
بعد زیرساختی	فرسودگی و ناکافی بودن زیرساخت‌های ورزشی	کمبود سالن‌های ورزشی یکی از مشکلات اساسی به‌شمار می‌رود، در حالی که این فضاها برای ورزش‌های سالنی اهمیت حیاتی دارند.
بعد اقتصادی	محدودیت بودجه و حمایت مالی	بودجه اختصاص یافته به والیبال در عراق در مقایسه با فوتبال و حتی بسکتبال بسیار محدود است.
بعد اقتصادی	ضعف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	علاوه بر این، ضعف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از دیگر عوامل بازدارنده در مسیر پیشرفت والیبال در عراق به‌شمار می‌رود.
بعد منابع انسانی	کمبود مربیان و داوران متخصص	کمبود کادرهای تخصصی مربیگری از مشکلات مهم این حوزه است.
بعد منابع انسانی	ضعف آموزش و توسعه منابع انسانی	کمبود کادرهای تخصصی مربیگری مشاهده می‌شود.
بعد منابع انسانی	ضعف استعدادیابی و پرورش بازیکنان	وضعیت این مراکز بسیار نامطلوب است و با وجود اهمیت فراوان آن‌ها در پرورش استعدادها، از ضعف مدیریتی و کمبود حمایت رنج می‌برند.

بعد منابع انسانی	پایین بودن سطح فنی بازیکنان	در حال حاضر در دانشگاه‌ها با کمبود بازیکنان والیبالی مواجه هستیم.
بعد اجتماعی-فرهنگی	محبوبیت پایین والیبالی در مقایسه با فوتبال	بودجه اختصاص یافته به والیبالی در عراق در مقایسه با فوتبال و حتی بسکتبال بسیار محدود است.
بعد اجتماعی-فرهنگی	ضعف مشارکت اجتماعی و رسانه‌ای	والیبالی برخلاف فوتبال از حمایت و توجه گسترده رسانه‌ای برخوردار نیست.
بعد حقوقی-نهادی	ضعف اجرای قوانین و سازوکارهای	قوانین و مقررات وجود دارند، اما مسئله اصلی در نحوه اجرای آن‌هاست.

نتایج کیفی نشان داد که موانع توسعه والیبالی ماهیتی چندبعدی دارند و صرفاً به کمبود امکانات فیزیکی محدود نمی‌شوند، بلکه مسائل مدیریتی، اقتصادی، انسانی، اجتماعی و نهادی نیز در شکل‌گیری وضعیت موجود نقش دارند. این شش بعد مبنای تدوین و ارزیابی مدل کمی پژوهش قرار گرفتند.

به‌منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک استفاده شد. در تمام آزمون‌ها درجه آزادی برابر با ۳۸۳ بود. در بعد مدیریتی، آماره‌های کولموگروف-اسمیرنوف برای $m1$ تا $m5$ به ترتیب ۰.۳۰۲، ۰.۳۴۹، ۰.۴۳۴، ۰.۴۳۵ و ۰.۴۱۸ و آماره‌های شاپیرو-ویلک به ترتیب ۰.۷۸۶، ۰.۷۴۴، ۰.۶۱۲، ۰.۵۲۵ و ۰.۶۲۹ بودند. در بعد زیرساختی، مقادیر کولموگروف-اسمیرنوف برای $i1$ تا $i5$ به ترتیب ۰.۴۷۵، ۰.۳۲۰، ۰.۴۹۵ و ۰.۴۱۲ و مقادیر شاپیرو-ویلک به ترتیب ۰.۵۲۰، ۰.۶۵۱، ۰.۷۳۹ و ۰.۴۵۹ و ۰.۶۹۶ به دست آمد.

در بعد اقتصادی، آماره کولموگروف-اسمیرنوف برای $e1$ تا $e5$ به ترتیب ۰.۴۲۵، ۰.۴۴۵، ۰.۳۹۸، ۰.۳۸۵ و ۰.۳۸۶ و آماره شاپیرو-ویلک به ترتیب ۰.۶۲۱، ۰.۶۲۸، ۰.۷۱۸، ۰.۷۰۲ و ۰.۶۳۷ بود. در بعد منابع انسانی، مقادیر متناظر کولموگروف-اسمیرنوف برای $h1$ تا $h5$ برابر با ۰.۳۱۱، ۰.۴۲۲، ۰.۳۹۵، ۰.۳۴۰ و ۰.۳۰۲ و مقادیر شاپیرو-ویلک برابر با ۰.۸۱۳، ۰.۶۰۹، ۰.۶۴۸، ۰.۸۰۶ و ۰.۸۱۷ بود. در بعد اجتماعی-فرهنگی، آماره‌های کولموگروف-اسمیرنوف برای $s1$ تا $s5$ به ترتیب ۰.۳۷۵، ۰.۴۱۴، ۰.۳۸۲، ۰.۲۴۰ و ۰.۳۳۳ و آماره‌های شاپیرو-ویلک به ترتیب ۰.۶۹۴، ۰.۵۹۹، ۰.۶۹۲، ۰.۸۰۰ و ۰.۸۱۲ بود. در نهایت، در بعد حقوقی-نهادی، آماره کولموگروف-اسمیرنوف برای $i1$ تا $i5$ به ترتیب ۰.۴۱۰، ۰.۳۵۶، ۰.۳۴۲ و ۰.۴۱۷ و آماره شاپیرو-ویلک به ترتیب ۰.۷۸۴، ۰.۶۵۹، ۰.۷۴۶، ۰.۷۷۸ و ۰.۶۹۱ گزارش شد.

سطح معناداری تمامی گویه‌ها در هر دو آزمون برابر با ۰.۰۰۰ و کمتر از ۰.۰۵ بود؛ بنابراین فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها رد شد. با توجه به غیرنرمال بودن داده‌ها و ماهیت مدل پژوهش، استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی مناسب تشخیص داده شد.

برای بررسی وضعیت سازه‌ها، میانگین هر بعد با نقطه میانی مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت، یعنی مقدار ۳، مقایسه شد. در بعد مدیریتی، میانگین گویه‌های $m1$ تا $m5$ به ترتیب ۲.۹۲، ۳.۰۸، ۲.۳۳، ۴.۵۸ و ۳.۰۸ بود. خطاهای استاندارد این گویه‌ها به ترتیب ۰.۰۶۶، ۰.۰۵۹، ۰.۰۵۷، ۰.۰۸۸ و ۰.۰۷۸ و میانها ۳.۰۰، ۳.۰۰، ۲.۰۰، ۵.۰۰ و ۳.۰۰ و واریانس‌ها ۰.۴۱۴، ۰.۳۳۰، ۰.۳۰۹، ۰.۷۵۱ و ۰.۵۸۲ و انحراف معیارها ۰.۶۴۳، ۰.۵۷۴، ۰.۵۵۶، ۰.۸۶۷ و ۰.۷۶۳ بود.

در بعد زیرساختی، میانگین $i1$ تا $i5$ به ترتیب ۲.۴۶، ۳.۵۰، ۳.۲۹، ۲.۲۵ و ۳.۲۵ بود. خطاهای استاندارد ۰.۰۹۸، ۰.۰۸۴، ۰.۰۷۵، ۰.۰۶۱ و ۰.۰۶۱ و میانها ۲.۰۰، ۴.۰۰، ۳.۰۰ و ۲.۰۰ و واریانس‌ها ۰.۹۲۵، ۰.۶۷۴، ۰.۵۴۶، ۰.۳۵۸ و ۰.۳۵۸ و انحراف معیارها ۰.۹۶۲، ۰.۸۲۱، ۰.۷۳۹، ۰.۵۹۸ و ۰.۵۹۸ به دست آمد.

در بعد اقتصادی، میانگین $e1$ تا $e5$ به ترتیب ۳.۵۰، ۳.۷۱، ۳.۳۸، ۳.۸۸ و ۴.۳۸ بود. خطاهای استاندارد به ترتیب ۰.۰۸۹، ۰.۰۷۵، ۰.۰۷۷، ۰.۰۵۴ و ۰.۱۱۰ و میانها ۴.۰۰، ۴.۰۰، ۳.۰۰ و ۴.۰۰ و واریانس‌ها ۰.۷۵۸، ۰.۵۴۶، ۰.۵۷۴، ۰.۲۷۹ و ۱.۱۶۳ و انحراف معیارها ۰.۸۷۱، ۰.۷۳۹، ۰.۷۵۷، ۰.۵۲۸ و ۱.۰۷۸ بود.

در بعد منابع انسانی، میانگین $h1$ تا $h5$ به ترتیب ۳.۹۶، ۴.۴۶، ۴.۳۳، ۳.۲۱ و ۳.۲۹ بود. خطاهای استاندارد برابر با ۰.۰۸۶، ۰.۰۹۸، ۰.۰۹۲، ۰.۰۹۴ و ۰.۰۸۶ و میانها ۴.۰۰، ۵.۰۰، ۵.۰۰ و ۳.۰۰ و واریانس‌ها ۰.۷۱۴، ۰.۹۲۵، ۰.۸۱۴، ۰.۸۴۰ و ۰.۷۱۴ و انحراف معیارها ۰.۸۴۵، ۰.۹۶۲، ۰.۹۰۲، ۰.۹۱۷ و ۰.۸۴۵ بود.

در بعد اجتماعی-فرهنگی، میانگین $s1$ تا $s5$ به ترتیب ۳.۴۲، ۱.۶۳، ۲.۰۴، ۳.۸۳ و ۳.۰۰ بود. خطاهای استاندارد برابر با ۰.۰۸۸، ۰.۱۱۸، ۰.۱۵۲، ۰.۱۰۹ و ۰.۰۹۸ و میانها ۴.۰۰، ۱.۰۰، ۱.۰۰ و ۴.۰۰ و واریانس‌ها ۰.۷۵۱، ۱.۳۳۳، ۲.۲۳۰، ۱.۱۵۱ و ۰.۹۲۶ و انحراف معیارها ۰.۸۶۷، ۱.۱۵۴، ۱.۴۹۳، ۱.۰۷۳ و ۰.۹۶۲ بود.

در بعد حقوقی-نهادی نیز میانگین 1/1 تا 1/5 به ترتیب ۳۰۰، ۱۶۳، ۲۰۹۶، ۲۰۵۰ و ۳۰۷۵ بود. خطاهای استاندارد این گویه‌ها ۰۰۰۷۵، ۰۰۰۸۹ و ۰۰۰۸۰، میانه‌ها ۳۰۰، ۱۰۰، ۳۰۰، ۲۰۰ و ۴۰۰، واریانس‌ها ۰۰۰۵۰۵، ۰۰۹۱۱، ۰۰۵۴۶، ۰۰۷۵۸ و ۰۰۶۱۱ و انحراف معیارها ۰۰۷۳۹، ۰۰۸۷۱ و ۰۰۷۸۱ بود.

جدول ۲. وضعیت کلی سازه‌های موانع توسعه والیبال

سازه	میانگین کل	مقایسه با نقطه معیار ۳	وضعیت
موانع منابع انسانی	۳۰۸۵	بالاتر	بسیار مهم
موانع اقتصادی	۳۰۷۷	بالاتر	بسیار مهم
موانع مدیریتی	۳۰۲۰	بالاتر	مهم
موانع زیرساختی	۲۰۹۵	نزدیک به معیار	متوسط
موانع اجتماعی-فرهنگی	۲۰۷۸	پایین‌تر	نسبتاً کمتر
موانع حقوقی-نهادی	۲۰۷۷	پایین‌تر	نسبتاً کمتر

بر اساس جدول ۲، بعد منابع انسانی با میانگین ۳۰۸۵ بالاترین مقدار را داشت و از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، شدیدترین وضعیت نامطلوب را نشان داد. مقادیر بالای برخی گویه‌های این سازه، به‌ویژه موارد مرتبط با کمبود برنامه‌های آموزشی مربیان و کمبود نیروهای حرفه‌ای، اهمیت ضعف منابع انسانی را آشکار ساخت. بعد اقتصادی با میانگین ۳۰۷۷ در جایگاه بعدی قرار گرفت که مؤید نقش مشکلات تأمین مالی، ضعف نظام حمایت مالی، مشارکت محدود بخش خصوصی و محدودیت منابع اقتصادی در توسعه والیبال عراق بود.

بعد مدیریتی با میانگین ۳۰۲۰ نیز بالاتر از نقطه معیار قرار گرفت. به‌طور خاص، گویه $m4$ با میانگین ۴۰۵۸ بالاترین میانگین در میان گویه‌های مدیریتی و یکی از بالاترین مقادیر کل ابزار را داشت و اهمیت مسائل مرتبط با مدیریت و انتصابات را نشان داد. بعد زیرساختی با میانگین ۲۰۹۵ بسیار نزدیک به نقطه معیار بود. ابعاد اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی به ترتیب با میانگین‌های ۲۰۷۸ و ۲۰۷۷ پایین‌تر از معیار ۳ قرار گرفتند، هرچند برخی گویه‌های منفرد این ابعاد، از جمله 54 با میانگین ۳۰۸۳ و 1/5 با میانگین ۳۰۷۵، از اهمیت قابل توجهی برخوردار بودند.

مدل پژوهش به‌صورت یک ساختار مرتبه دوم تعریف شد که در آن سازه کلی «موانع توسعه والیبال» از شش سازه مرتبه اول شامل موانع اقتصادی، منابع انسانی، زیرساختی، حقوقی-نهادی، مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی تشکیل شده بود. در نخستین مرحله ارزیابی مدل اندازه‌گیری، بارهای عاملی شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۳. بارهای عاملی شاخص‌های مدل اندازه‌گیری

شاخص	بار روی سازه کلی موانع	بار روی سازه مربوطه
e1	۰۰۷۵۶	۰۰۸۳۷
e2	۰۰۶۲۸	۰۰۸۷۴
e3	-۰۰۰۵۹	۰۰۱۴۸
e4	۰۰۴۸۳	۰۰۶۵۳
e5	۰۰۷۹۵	۰۰۸۹۵
h1	۰۰۴۵۶	۰۰۵۳۱
h2	۰۰۷۷۵	۰۰۷۶۶
h3	۰۰۵۸۴	۰۰۷۳۶
h4	۰۰۲۲۰	۰۰۳۸۳
h5	-۰۰۴۰۵	-۰۰۴۶۳
i1	-۰۰۶۹۷	-۰۰۸۶۳
i2	۰۰۶۸۶	۰۰۸۰۳
i3	-۰۰۰۶۴	-۰۰۴۸۰
i4	-۰۰۲۹۸	-۰۰۴۷۲

i5	-۰.۵۹۸	-۰.۸۰۳
l۱	۰.۳۷۵	۰.۵۸۸
l۲	-۰.۵۶۰	-۰.۷۵۰
l۳	-۰.۰۶۸	۰.۲۷۱
l۴	-۰.۱۹۸	-۰.۳۸۳
l۵	۰.۴۸۰	۰.۶۰۳
m۱	۰.۰۵۷	۰.۱۳۳
m۲	-۰.۵۵۲	-۰.۶۳۹
m۳	-۰.۵۶۷	-۰.۷۲۰
m۴	۰.۶۳۷	۰.۷۲۹
m۵	۰.۲۱۹	۰.۱۸۷
s۱	۰.۴۵۵	۰.۶۵۸
s۲	-۰.۷۳۹	-۰.۷۴۰
s۳	-۰.۱۶۰	-۰.۶۳۷
s۴	۰.۶۰۴	۰.۸۶۳
s۵	۰.۴۲۸	۰.۵۳۲

نتایج نشان داد که در سازه اقتصادی، $e1$ ، $e2$ ، $e4$ و $e5$ از بارهای عاملی نسبتاً مناسب برخوردار بودند و $e2$ و $e5$ به ترتیب با بارهای ۰.۸۷۴ و ۰.۸۹۵ ارتباط بالایی با سازه اقتصادی داشتند. در سازه منابع انسانی، $h2$ و $h3$ به ترتیب بارهای ۰.۷۶۶ و ۰.۷۳۶ داشتند، در حالی که $h4$ و $h5$ ضعیف تر بودند. در بعد زیرساختی، $i1$ ، $i2$ و $i5$ قدر مطلق بار عاملی بالایی نشان دادند، هرچند جهت منفی برخی بارها نشان می دهد جهت کدگذاری گویه ها باید در تفسیر مدل مورد توجه قرار گیرد. در ابعاد حقوقی-نهادی، مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی نیز ناهمگونی قابل توجهی میان بارهای عاملی مشاهده شد.

با در نظر گرفتن حداقل بار عاملی ۰.۴۰ ، شاخص های دارای بار ضعیف شناسایی شدند و در فرایند پالایش مدل، حذف یا بازبینی آنها مدنظر قرار گرفت. به ویژه شاخص هایی مانند $e3$ ، $h4$ ، $i3$ و $m1$ از ارتباط ضعیفی با سازه مربوطه برخوردار بودند. همچنین وجود بارهای منفی متعدد در برخی گویه ها نشان می دهد که جهت نمره گذاری یا ماهیت معکوس گویه ها باید پیش از تفسیر نهایی مدل بررسی شود.

برای ارزیابی پایایی و روایی همگرای سازه ها، آلفای کرونباخ، ρ_A ، پایایی ترکیبی ρ_C و میانگین واریانس استخراج شده بررسی شد.

جدول ۴. پایایی و روایی همگرای سازه های پژوهش

سازه	آلفای کرونباخ	ρ_A	ρ_C	AVE
مواع کلی	۰.۷۷۲	۰.۹۱۸	۰.۳۷۷	۰.۲۵۸
مواع اقتصادی	۰.۷۶۸	۰.۸۶۰	۰.۸۳۵	۰.۵۴۲
مواع منابع انسانی	۰.۴۱۶	۰.۶۰۲	۰.۵۴۲	۰.۳۵۴
مواع زیرساختی	۰.۳۶۱	۰.۸۱۱	۰.۵۶۸	۰.۴۹۸
مواع حقوقی-نهادی	۰.۴۱۱	۰.۳۷۴	۰.۰۳۰	۰.۲۹۸
مواع مدیریتی	-۰.۰۰۸	۰.۴۸۱	۰.۰۲۷	۰.۳۰۲
مواع اجتماعی-فرهنگی	-۰.۶۸۳	۰.۷۵۹	۰.۱۵۰	۰.۴۸۳

سازه اقتصادی از مطلوب‌ترین وضعیت برخوردار بود؛ به‌طوری‌که آلفای کرونباخ آن 0.768 ، rho_A برابر با 0.860 ، پایایی ترکیبی 0.835 و AVE برابر با 0.542 بود. بنابراین، پایایی و روایی همگرایی این سازه در محدوده قابل قبول قرار گرفت. در سازه زیرساختی، اگرچه آلفای کرونباخ 0.361 و پایایی ترکیبی 0.568 پایین بود، مقدار rho_A برابر با 0.811 و AVE برابر با 0.498 و بسیار نزدیک به حد 0.50 بود.

در سازه‌های منابع انسانی، حقوقی-نهادی، مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی، برخی شاخص‌های پایایی و روایی همگرا پایین‌تر از حدود متعارف قرار گرفتند. به‌خصوص آلفای کرونباخ منفی در سازه‌های مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی و مقادیر بسیار پایین rho_C در سازه‌های حقوقی-نهادی، مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی نشان‌دهنده عدم همسانی مناسب برخی شاخص‌ها بود. همچنین AVE برای منابع انسانی 0.354 ، حقوقی-نهادی 0.298 ، مدیریتی 0.302 و اجتماعی-فرهنگی 0.483 بود. بنابراین، برخلاف سازه اقتصادی، روایی همگرایی همه سازه‌های مدل به‌طور کامل تأیید نشد و نتایج این بخش باید با احتیاط تفسیر شود.

برای ارزیابی روایی واگرا از شاخص $HTMT$ استفاده شد.

جدول ۵. شاخص $HTMT$ برای بررسی روایی واگرای سازه‌ها

سازه	Barriers	ED	HD	ID	LD	MD
ED	۱.۰۹۲					
HD	۱.۱۵۹	۱.۰۱۱				
ID	۰.۷۰۳	۰.۵۵۳	۱.۰۰۳			
LD	۰.۹۵۲	۰.۹۰۱	۰.۹۵۶	۰.۸۵۲		
MD	۰.۹۸۳	۰.۸۱۹	۱.۲۱۰	۱.۲۸۷	۱.۰۲۵	
SD	۰.۹۳۷	۰.۷۶۶	۱.۰۶۰	۰.۵۱۱	۰.۶۷۲	۰.۷۱۳

بررسی مقادیر $HTMT$ نشان داد که برخی روابط از معیار کمتر از 0.90 برخوردار بودند. برای مثال، مقدار $HTMT$ میان سازه اقتصادی و زیرساختی 0.553 ، میان موانع کلی و زیرساختی 0.703 ، میان اجتماعی-فرهنگی و زیرساختی 0.511 ، میان اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی 0.672 و میان اجتماعی-فرهنگی و مدیریتی 0.713 بود. در مقابل، مقادیری مانند 1.159 میان موانع کلی و منابع انسانی، 1.011 میان اقتصادی و منابع انسانی، 1.210 میان منابع انسانی و مدیریتی و 1.287 میان زیرساختی و مدیریتی بالاتر از حد پذیرفته‌شده بودند. بنابراین، روایی واگرای مدل فقط برای بخشی از روابط تأیید شد و در برخی سازه‌ها همپوشانی مفهومی قابل توجه مشاهده شد.

پس از بررسی مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری ارزیابی شد. برای این منظور، ضرایب مسیر سازه مرتبه دوم موانع به شش بعد آن همراه با آماره t و مقدار P بررسی شد.

جدول ۶. ضرایب مسیر، معناداری روابط و اولویت موانع توسعه والیبال

مسیر	ضریب مسیر β	میانگین نمونه	انحراف معیار	آماره t	P	وضعیت	اولویت
موانع ← اقتصادی	۰.۹۴۶	۰.۹۴۳	۰.۰۱۸	۵۱.۹۰۴	۰.۰۰۰	معنادار	۱
موانع ← منابع انسانی	۰.۸۷۷	۰.۸۷۹	۰.۰۳۳	۲۶.۸۴۶	۰.۰۰۰	معنادار	۲
موانع ← اجتماعی-فرهنگی	۰.۷۸۶	۰.۷۹۱	۰.۰۳۲	۲۴.۸۴۰	۰.۰۰۰	معنادار	۳
موانع ← حقوقی-نهادی	۰.۶۷۰	۰.۶۹۰	۰.۰۸۱	۸.۲۸۵	۰.۰۰۰	معنادار	۴
موانع ← مدیریتی	-۰.۶۷۸	-۰.۵۶۳	۰.۴۰۶	۱.۶۷۰	۰.۰۹۵	غیرمعنادار	۵
موانع ← زیرساختی	-۰.۶۵۴	-۰.۲۱۴	۰.۶۵۷	۰.۹۹۵	۰.۳۲۰	غیرمعنادار	۶

مسیر سازه کلی موانع به بعد اقتصادی دارای بیشترین ضریب مسیر بود؛ به‌طوری‌که β برابر با 0.946 ، آماره t برابر با 51.904 و P برابر با 0.000 به دست آمد. بنابراین، این رابطه مثبت و معنادار بود. مسیر موانع به منابع انسانی نیز با β برابر با 0.877 ، t برابر با 26.846 و P برابر با 0.000 معنادار بود. بعد اجتماعی-فرهنگی نیز با β برابر با 0.786 ، t

برابر با ۲۴.۸۴۰ و P برابر با ۰.۰۰۰ نقش معناداری در سازه کلی موانع داشت. برای بعد حقوقی-نهادی نیز β برابر با ۰.۶۷۰، t برابر با ۸.۲۸۵ و P برابر با ۰.۰۰۰ به دست آمد و رابطه معنادار بود.

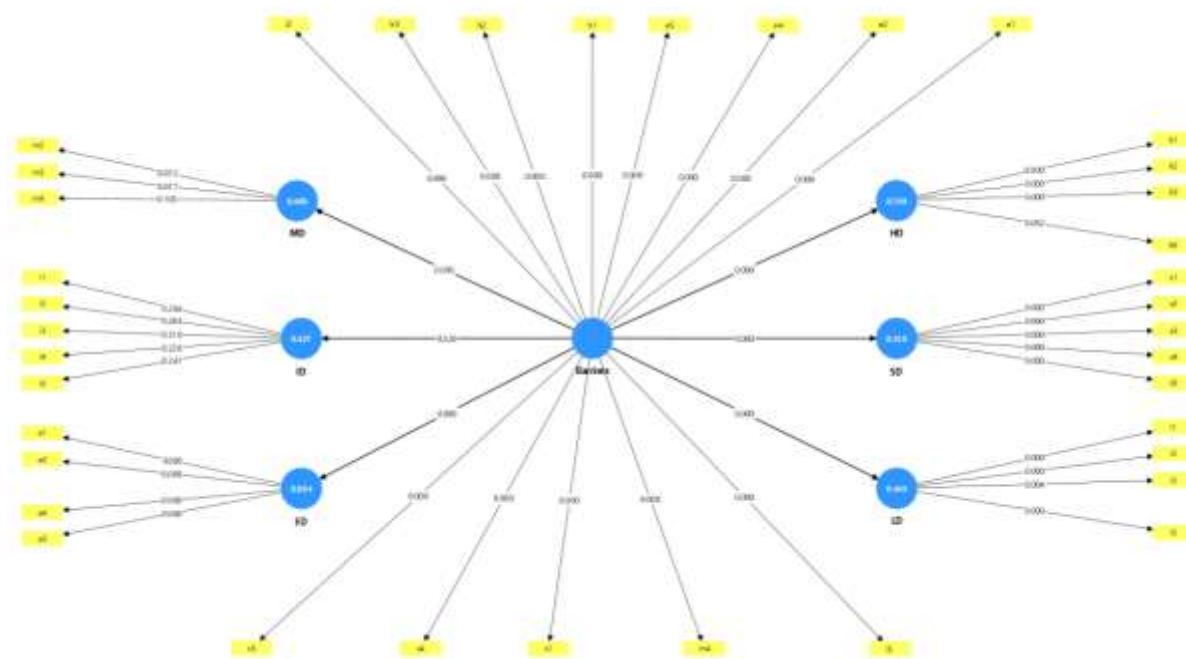
در مقابل، مسیر موانع به زیرساختی با ضریب -۰.۶۵۴، آماره t برابر با ۰.۹۹۵ و P برابر با ۰.۳۲۰ از نظر آماری معنادار نبود. مسیر موانع به مدیریتی نیز با ضریب -۰.۶۷۸، آماره t برابر با ۱.۶۷۰ و P برابر با ۰.۰۹۵ به سطح معناداری ۰.۰۵ نرسید. از این رو، چهار بعد اقتصادی، منابع انسانی، اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی در مدل ساختاری دارای روابط معنادار بودند، در حالی که روابط مربوط به دو بعد مدیریتی و زیرساختی تأیید آماری نشدند.

در ادامه، برازش کلی مدل با استفاده از شاخص‌های $SRMR$ ، d_G ، d_ULS ، $Chi-square$ و NFI بررسی شد. مقدار $SRMR$ برای مدل اشیاع ۰.۲۱۳ و برای مدل برآوردشده ۰.۲۱۸ بود. مقادیر d_ULS نیز به ترتیب ۳۳.۶۹۷ و ۳۵.۳۳۰ گزارش شد. برای d_G و NFI مقدار قابل محاسبه‌ای گزارش نشد و مقدار $Chi-square$ در هر دو مدل برابر با بی‌نهایت بود. با توجه به اینکه مقدار $SRMR$ به‌طور محسوسی بالاتر از حدود متعارف ۰.۰۸ یا ۰.۱۰ است، برازش کلی مدل را نمی‌توان مطلوب تلقی کرد؛ بنابراین نتایج ساختاری مدل، به‌ویژه با توجه به کاستی‌های مشاهده‌شده در پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا، باید با احتیاط تفسیر شوند.

بر اساس ضرایب مسیر معنادار، موانع اقتصادی با ضریب ۰.۹۴۶ در بالاترین اولویت قرار گرفتند. این نتیجه نشان داد که کمبود منابع مالی، محدودیت حمایت‌های اقتصادی، ضعف نظام اسپانسر و مشارکت محدود بخش خصوصی مهم‌ترین دسته از موانع توسعه والیبال در عراق هستند. پس از آن، موانع منابع انسانی با ضریب ۰.۸۷۷ در رتبه دوم قرار گرفتند که اهمیت کمبود مربیان، داوران و نیروهای تخصصی، ضعف برنامه‌های آموزشی و کاستی‌های نظام استعدادیابی را نشان می‌دهد.

موانع اجتماعی-فرهنگی با ضریب ۰.۷۸۶ در رتبه سوم و موانع حقوقی-نهادی با ضریب ۰.۶۷۰ در رتبه چهارم قرار گرفتند. بنابراین، میزان توجه اجتماعی و رسانه‌ای به والیبال، مشارکت اجتماعی، نگرش‌های فرهنگی، کیفیت اجرای قوانین و میزان حمایت نهادهای مسئول نیز در ساختار موانع توسعه این رشته نقش داشتند. دو بعد مدیریتی و زیرساختی به دلیل غیرمعنادار بودن ضرایب مسیر در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند؛ به‌گونه‌ای که موانع مدیریتی در رتبه پنجم و موانع زیرساختی در رتبه ششم قرار گرفتند. با این حال، غیرمعناداری این دو مسیر به معنای نبود مشکل مدیریتی یا زیرساختی نیست، زیرا تحلیل توصیفی و یافته‌های کیفی وجود مشکلات قابل توجهی را در هر دو حوزه نشان داده بودند؛ بلکه این نتیجه صرفاً نشان می‌دهد که سهم مستقل این دو سازه در مدل ساختاری حاضر از نظر آماری تأیید نشد.

در مجموع، تلفیق یافته‌های کیفی و کمی نشان داد که توسعه والیبال عراق با مجموعه‌ای چندبعدی از موانع مواجه است. در سطح توصیفی، منابع انسانی با میانگین ۳.۸۵ و موانع اقتصادی با میانگین ۳.۷۷ برجسته‌ترین مشکلات بودند، در حالی که در مدل ساختاری، موانع اقتصادی با ضریب ۰.۹۴۶ و منابع انسانی با ضریب ۰.۸۷۷ بیشترین نقش را در تبیین سازه کلی موانع داشتند. بنابراین، هر دو شیوه تحلیل بر اهمیت ویژه حوزه‌های اقتصادی و منابع انسانی تأکید داشتند. پس از این دو بعد، عوامل اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی قرار گرفتند و ابعاد مدیریتی و زیرساختی در مدل ساختاری از معناداری آماری برخوردار نبودند.



شکل ۱. مدل نهایی موانع توسعه ورزش والیبال در کشور عراق بر اساس مدل سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی و اولویت بندی موانع توسعه ورزش والیبال در کشور عراق بود. یافته های بخش کیفی نشان داد که موانع توسعه والیبال در عراق در شش بعد اصلی شامل موانع مدیریتی، زیرساختی، اقتصادی، منابع انسانی، اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی قابل طبقه بندی هستند. نتایج بخش کمی نیز نشان داد که از نظر میانگین توصیفی، موانع منابع انسانی با میانگین ۳۸۵ در بالاترین سطح قرار داشتند و پس از آن موانع اقتصادی با میانگین ۳۰۷۷ و موانع مدیریتی با میانگین ۳۰۲۰ قرار گرفتند. در مقابل، میانگین موانع زیرساختی ۲۰۹۵، موانع اجتماعی-فرهنگی ۲۰۷۸ و موانع حقوقی-نهادی ۲۰۷۷ بود. با این حال، نتایج مدل ساختاری تصویر دقیق تری از سهم ابعاد مختلف در سازه کلی موانع ارائه کرد؛ به گونه ای که موانع اقتصادی با ضریب مسیر ۰۰۹۴۶ در رتبه نخست، موانع منابع انسانی با ضریب ۰۰۸۷۷ در رتبه دوم، موانع اجتماعی-فرهنگی با ضریب ۰۰۷۸۶ در رتبه سوم و موانع حقوقی-نهادی با ضریب ۰۰۶۷۰ در رتبه چهارم قرار گرفتند. ضرایب مسیر مربوط به ابعاد مدیریتی و زیرساختی از نظر آماری معنادار نبودند. در مجموع، می توان گفت که توسعه والیبال عراق بیش از آنکه تحت تأثیر یک عامل منفرد باشد، از مجموعه ای درهم تنیده از محدودیت های اقتصادی، انسانی، اجتماعی، نهادی و مدیریتی اثر می پذیرد.

نخستین یافته مهم پژوهش، جایگاه برجسته موانع اقتصادی در مدل ساختاری بود. ضریب مسیر ۰۰۹۴۶ نشان داد که عوامل اقتصادی بیشترین نقش را در شکل گیری سازه کلی موانع توسعه والیبال دارند. این یافته را می توان با توجه به ماهیت اقتصادی ورزش حرفه ای تبیین کرد. توسعه یک رشته ورزشی مستلزم تأمین مستمر منابع مالی برای آموزش ورزشکاران، پرداخت هزینه مربیان و داوران، نگهداری تجهیزات، برگزاری اردوها و مسابقات، اجرای برنامه های استعدادیابی و توسعه باشگاه هاست. هنگامی که بودجه ورزشی محدود باشد یا بخش خصوصی و حامیان مالی حضور فعالی نداشته باشند، تقریباً تمام سطوح توسعه رشته با محدودیت مواجه می شوند. یافته های پژوهش حاضر با دیدگاهی که بر پیوند نزدیک میان توسعه ورزش و ظرفیت های اقتصادی تأکید دارد، همسو است. Isakovic و Zbiljic نشان داده اند که تعامل میان ورزش و اقتصاد می تواند به توسعه پایدار کمک کند و سرمایه گذاری، ایجاد ارزش اقتصادی و شکل گیری همکاری میان بازیگران اقتصادی و ورزشی از عوامل مهم پایداری توسعه ورزش هستند (Zbiljic & Isakovic, ۲۰۲۰).

(2025). بنابراین، ضعف منابع مالی در والیبال عراق تنها یک مشکل بودجه‌ای نیست، بلکه می‌تواند به‌عنوان عامل ریشه‌ای در کاهش کیفیت آموزش، محدود شدن برنامه‌های حرفه‌ای، تضعیف باشگاه‌ها و کاهش انگیزه ذی‌نفعان عمل کند.

همچنین، یافته مربوط به موانع اقتصادی با مطالعات حوزه بازاریابی ورزش همخوانی دارد. در پژوهش Sareshkeh و همکاران، توسعه بازاریابی لیگ برتر والیبال به‌عنوان یکی از الزامات توسعه پایدار این رشته مطرح شده و بر نقش حمایت مالی، مدیریت بازار و ارتباط با مخاطبان تأکید شده است (Sareshkeh et al., 2019). این مسئله در عراق اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا والیبال در مقایسه با فوتبال از میزان توجه رسانه‌ای و تجاری پایین‌تری برخوردار است و در نتیجه سهم کمتری از منابع مالی و حمایت‌های اسپانسر دریافت می‌کند. وقتی نظام بازاریابی یک رشته ضعیف باشد، امکان جذب سرمایه‌گذار، توسعه برند باشگاه‌ها، افزایش درآمد از رویدادها و ایجاد منابع مالی مستقل کاهش می‌یابد. از این منظر، محدودیت اقتصادی مشاهده‌شده در پژوهش حاضر می‌تواند بازتابی از ضعف نظام درآمدزایی والیبال و وابستگی بیش از حد به بودجه‌های محدود دولتی یا فدراسیونی باشد. همچنین، توسعه کارآفرینی دیجیتال و استارت‌آپ‌های ورزشی می‌تواند مسیرهای تازه‌ای برای درآمدزایی، بازاریابی، تعامل با هواداران و ارائه خدمات ورزشی ایجاد کند (Gol Ara et al., 2026). بنابراین، نبود ساختارهای نوآورانه مالی و کسب‌وکاری نیز می‌تواند بخشی از مسئله اقتصادی والیبال عراق را توضیح دهد.

دومین یافته مهم پژوهش به موانع منابع انسانی مربوط بود. این بعد در تحلیل توصیفی با میانگین ۳.۸۵ بالاترین میانگین را در میان سازه‌ها داشت و در مدل ساختاری نیز با ضریب ۰.۸۷۷ در رتبه دوم قرار گرفت. این همگرایی میان تحلیل توصیفی و ساختاری نشان می‌دهد که کمبود یا ضعف منابع انسانی متخصص یکی از محوری‌ترین چالش‌های توسعه والیبال عراق است. مربیان، داوران، مدیران فنی، استعدادیابان و کارشناسان آموزشی اجزای اصلی نظام توسعه والیبال هستند و کیفیت عملکرد آنان مستقیماً بر پرورش بازیکنان و سطح مسابقات اثر می‌گذارد. در پژوهش Sahebkarani و همکاران نیز بر اهمیت ارزیابی علمی و تخصصی مربیان لیگ برتر والیبال تأکید شده و مجموعه‌ای از شاخص‌های تخصصی برای سنجش عملکرد مربیان معرفی شده است (Sahebkarani et al., 2022). این یافته نشان می‌دهد که صرف وجود مربی کافی نیست، بلکه توسعه والیبال نیازمند مربیانی است که از دانش روز، مهارت‌های حرفه‌ای و قابلیت‌های مدیریتی و آموزشی برخوردار باشند.

نتایج پژوهش حاضر درباره ضعف منابع انسانی همچنین با پژوهش Alavi و Ghezelsefloo همخوانی دارد. آنان نشان دادند که استفاده از فناوری‌های ورزشی مبتنی بر رویداد می‌تواند بر آموزش و توسعه حرفه‌ای داوران لیگ برتر والیبال اثرگذار باشد (Ghezelsefloo & Alavi, 2022). این یافته بیانگر آن است که توسعه منابع انسانی در والیبال باید فراتر از آموزش‌های سنتی حرکت کند و شامل آموزش مستمر، فناوری، ارزیابی عملکرد و مسیرهای حرفه‌ای مشخص باشد. در عراق، اگر آموزش مربیان و داوران به‌صورت منظم و بر اساس استانداردهای روز انجام نشود، شکاف کیفی میان والیبال این کشور و کشورهای دارای نظام‌های توسعه‌یافته‌تر افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر، Haidar Eissa و همکاران نشان دادند که کیفیت نظام توسعه استعداد و مدیریت زمان در والیبال با رضایت ذی‌نفعان در عراق مرتبط است (Haidar Eissa et al., 2023). این نتیجه با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است و نشان می‌دهد که منابع انسانی و مدیریت استعداد باید به‌عنوان اجزای کلیدی راهبرد توسعه والیبال عراق مورد توجه قرار گیرند. ضعف نظام استعدادیابی نیز یکی از مؤلفه‌های مهم بعد منابع انسانی بود. توسعه والیبال در بلندمدت نیازمند زنجیره‌ای پیوسته از شناسایی، آموزش و حفظ استعدادهاست. اگر بازیکنان مستعد در سنین پایه شناسایی نشوند یا پس از شناسایی در یک برنامه منظم رشد قرار نگیرند، تیم‌های باشگاهی و ملی در آینده با کمبود بازیکنان آماده مواجه خواهند شد. Sheppard بر اهمیت ارزیابی اختصاصی ویژگی‌های عملکردی بازیکنان نخبه والیبال تأکید کرده است و نشان داده که توسعه ورزشکاران باید بر اساس ماهیت فیزیولوژیک و عملکردی رشته انجام شود (Sheppard, 2007). بنابراین، ضعف در استعدادیابی و آموزش بازیکنان در عراق می‌تواند هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی بر سطح نهایی عملکرد اثر بگذارد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اصلاح نظام توسعه منابع انسانی باید از آموزش مربیان و داوران تا استعدادیابی و پایش رشد بازیکنان را در بر گیرد. سومین یافته مدل ساختاری مربوط به موانع اجتماعی-فرهنگی بود که با ضریب ۰.۷۸۶ در رتبه سوم قرار گرفت. هرچند میانگین توصیفی این بعد ۲.۷۸ و پایین‌تر از نقطه میانی طیف بود، ضریب مسیر آن در مدل ساختاری مثبت و معنادار بود. این تفاوت نشان می‌دهد که شدت ادراک‌شده برخی گویه‌های اجتماعی ممکن است به‌طور کلی متوسط باشد، اما ساختار اجتماعی-فرهنگی همچنان نقش مهمی در شکل‌گیری کلی موانع دارد. یکی از دلایل این امر می‌تواند رقابت شدید والیبال با فوتبال برای جلب توجه اجتماعی،

رسانه‌ای و مالی باشد. محبوبیت عمومی یک رشته ورزشی بر میزان مشارکت نوجوانان، حمایت خانواده‌ها، پوشش رسانه‌ای، سرمایه‌گذاری تجاری و حتی تصمیم‌گیری مدیران ورزشی اثر می‌گذارد. بنابراین، وقتی والیبال در فضای عمومی و رسانه‌ای در مرتبه پایین‌تری قرار گیرد، زنجیره‌ای از پیامدهای منفی می‌تواند توسعه آن را محدود کند.

اهمیت ابعاد اجتماعی ورزش در مطالعات مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. Wen و Wu نشان داده‌اند که فعالیت ورزشی می‌تواند بر توسعه مهارت‌های حرکتی و اجتماعی اثرگذار باشد (Wen & Wu, 2025) و Yu و همکاران نیز نشان دادند که آموزش‌های ورزشی می‌توانند هم‌زمان ابعاد جسمانی و مهارتی افراد را بهبود دهند (Yu et al., 2025). هرچند این مطالعات مستقیماً بر والیبال حرفه‌ای تمرکز ندارند، از این نظر با پژوهش حاضر هم‌راستا هستند که توسعه مشارکت ورزشی صرفاً یک مسئله رقابتی نیست، بلکه با فرآیندهای اجتماعی، آموزشی و رشد فردی ارتباط دارد. اگر مشارکت جوانان و خانواده‌ها در والیبال افزایش یابد، دامنه استعدادیابی نیز گسترش می‌یابد و پایه اجتماعی رشته تقویت می‌شود. از سوی دیگر، Sargsyan نقش اعتمادبه‌نفس، غلبه بر ترس و محیط حمایتی را در رشد ورزشکاران جوان برجسته کرده است (Sargsyan, 2026). بنابراین، توسعه والیبال پایه در عراق باید همراه با ایجاد محیط‌های اجتماعی و روان‌شناختی حمایت‌کننده باشد.

موانع حقوقی-نهادی با ضریب مسیر ۰.۶۷۰ در رتبه چهارم قرار گرفتند. یافته کیفی اصلی در این بعد نشان می‌داد که مسئله اصلی لزوماً فقدان قوانین نیست، بلکه ضعف اجرای قوانین و سازوکارهای نهادی است. این یافته از منظر حکمرانی ورزش قابل توجه است، زیرا وجود مقررات بدون ضمانت اجرا، هماهنگی بین‌سازمانی و پاسخ‌گویی مدیریتی نمی‌تواند به توسعه پایدار منجر شود. Vahdani و همکاران بر اهمیت حکمرانی مشارکتی و همکاری میان سازمان‌ها در توسعه حوزه تربیت بدنی تأکید کرده‌اند (Vahdani et al., 2026). این موضوع نشان می‌دهد که توسعه والیبال عراق نیز به ساختارهایی نیاز دارد که فدراسیون، باشگاه‌ها، نهادهای آموزشی، دولت محلی و سایر ذی‌نفعان بتوانند در قالب سازوکارهای روشن و هماهنگ فعالیت کنند. ضعف در اجرای مقررات، تداخل وظایف و عدم پاسخ‌گویی نهادی می‌تواند برنامه‌های توسعه را حتی در صورت وجود منابع مالی و انسانی مختل کند.

یافته‌های مرتبط با بعد حقوقی-نهادی با مفهوم دیپلماسی ورزشی نیز ارتباط دارد. Nassiri و همکاران در بررسی راهبردهای توسعه دیپلماسی بین‌المللی در والیبال بر نقش تعاملات بین‌المللی، روابط نهادی و حضور فعال در ساختارهای جهانی ورزش تأکید کرده‌اند (Nassiri et al., 2022). برای عراق، تقویت ارتباط با فدراسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند زمینه انتقال دانش، آموزش مربیان و داوران، توسعه مسابقات و ارتقای استانداردهای مدیریتی را فراهم کند. بنابراین، محدودیت‌های نهادی ممکن است نه تنها در سطح داخلی، بلکه در کاهش ظرفیت بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی نیز اثرگذار باشند.

در مقابل، موانع مدیریتی با وجود میانگین توصیفی ۳.۲۰ در مدل ساختاری رابطه معناداری با سازه کلی موانع نشان ندادند. این یافته در نگاه نخست با نتایج کیفی و توصیفی متفاوت به نظر می‌رسد؛ زیرا مصاحبه‌شوندگان به ضعف سیاست‌گذاری، بوروکراسی، فساد اداری و انتصاب مدیران غیرمتخصص اشاره کرده بودند و گویه مرتبط با انتصابات غیرتخصصی نیز میانگین بالایی داشت. این تفاوت ممکن است نشان‌دهنده آن باشد که مشکلات مدیریتی در تجربه روزمره ذی‌نفعان ملموس و مهم هستند، اما در مدل آماری حاضر بخشی از اثر آن‌ها با سایر سازه‌ها، به‌ویژه عوامل اقتصادی و نهادی، همپوشانی داشته است. افزون بر این، شاخص‌های پایایی و روایی این سازه ضعیف بودند و بنابراین غیرمعناداری مسیر باید با احتیاط تفسیر شود. از منظر نظری، Taghiyev و همکاران بر نقش برنامه‌ریزی راهبردی در توسعه تربیت بدنی و ورزش تأکید کرده‌اند (Taghiyev et al., 2026) و Vahdani و همکاران نیز اهمیت حکمرانی مشارکتی را مطرح کرده‌اند (Vahdani et al., 2026). بنابراین، یافته آماری این پژوهش نباید به معنای بی‌اهمیت بودن مدیریت در توسعه والیبال عراق تلقی شود.

بعد زیرساختی نیز با میانگین ۲.۹۵ در سطحی نزدیک به نقطه میانی قرار داشت و ضریب مسیر آن در مدل ساختاری معنادار نبود. این یافته نشان می‌دهد که از دید پاسخ‌دهندگان، مشکلات زیرساختی نسبت به عوامل اقتصادی و منابع انسانی شدت کمتری دارند. با این حال، مصاحبه‌های کیفی کمبود سالن‌های مناسب، تجهیزات و امکانات ورزشی را همچنان به‌عنوان موانع مهم مطرح کردند. یکی از تبیین‌های ممکن این است که وجود زیرساخت، بدون منابع مالی و نیروی انسانی توانمند، لزوماً به توسعه منجر نمی‌شود. سالن یا تجهیزات زمانی اثربخش خواهند بود که برنامه‌های آموزشی، مربیان متخصص و منابع مالی لازم برای بهره‌برداری از آن‌ها وجود داشته باشد. Rahimi و

همکاران نیز در مدل توسعه گردشگری ورزشی مبتنی بر رویدادهای والیبال بر ضرورت وجود مجموعه‌ای از زیرساخت‌ها، خدمات و هماهنگی‌های اجرایی تأکید کرده‌اند (Rahimi et al., 2016). بنابراین، زیرساخت باید در تعامل با دیگر ابعاد توسعه تحلیل شود، نه به‌عنوان عاملی مستقل و جدا.

نتایج پژوهش همچنین بر اهمیت اتخاذ رویکردهای نوآورانه در مدیریت ورزش تأکید دارد. Al-Hasnawi و همکاران نشان داده‌اند که کارآفرینی و روش‌های نوآورانه در علوم آموزش ورزشی می‌توانند در چارچوب توسعه پایدار نقش‌آفرین باشند (Al-Hasnawi et al., 2026). در شرایط عراق، نوآوری می‌تواند در شیوه‌های تأمین مالی، آموزش مربیان، توسعه رسانه‌های دیجیتال، مدیریت استعدادیابی و تعامل با باشگاه‌ها به کار گرفته شود. همچنین، یافته‌های Gol Ara و همکاران درباره ظرفیت کارآفرینی دیجیتال و استارت‌آپ‌های ورزشی نشان می‌دهد که توسعه فناوری و کسب‌وکارهای جدید می‌تواند بخشی از محدودیت‌های سنتی حوزه ورزش را کاهش دهد (Gol Ara et al., 2026). بنابراین، رفع موانع والیبال صرفاً به افزایش بودجه دولتی محدود نیست و باید با توسعه ظرفیت‌های جدید اقتصادی و فناوری همراه شود.

از منظر سیاست‌گذاری، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اولویت نخست باید به دو حوزه اقتصاد و منابع انسانی اختصاص یابد. این نتیجه با منطق توسعه راهبردی نیز سازگار است؛ زیرا منابع مالی و منابع انسانی دو ورودی اساسی هر نظام ورزشی هستند. Wu و همکاران در مطالعه توسعه یک رشته رقابتی نشان دادند که گسترش موفق یک ورزش نیازمند هدف‌گذاری روشن، بسیج منابع و راهبرد سازمان‌یافته است (Wu et al., 2025). در عراق نیز نمی‌توان انتظار داشت توسعه والیبال تنها از طریق اقدامات پراکنده یا کوتاه‌مدت محقق شود. تخصیص منابع باید بر اساس اولویت‌ها، برنامه‌های چندساله و شاخص‌های قابل ارزیابی صورت گیرد و میان نظام آموزشی، فدراسیون، باشگاه‌ها و بخش خصوصی هماهنگی ایجاد شود.

در تفسیر کلی نتایج باید به کیفیت مدل اندازه‌گیری نیز توجه کرد. اگرچه مدل ساختاری برای چهار بعد اقتصادی، منابع انسانی، اجتماعی-فرهنگی و حقوقی-نهادی روابط معناداری نشان داد، برخی سازه‌ها از نظر پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا در سطح مطلوب قرار نداشتند و مقدار SRMR نیز بالاتر از حدود متعارف بود. بنابراین، رتبه‌بندی حاصل از ضرایب مسیر باید به‌عنوان شواهد اکتشافی و نه یک ساختار قطعی و نهایی تفسیر شود. باین‌حال، همگرایی یافته‌های کیفی، میانگین‌های توصیفی و ضرایب ساختاری در خصوص اهمیت عوامل اقتصادی و منابع انسانی، اعتماد بیشتری به برجستگی این دو حوزه می‌دهد. در مجموع، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که توسعه والیبال عراق نیازمند رویکردی جامع و چندسطحی است که به‌طور هم‌زمان بر تأمین منابع مالی پایدار، توسعه نیروی انسانی، افزایش مشارکت اجتماعی، تقویت سازوکارهای نهادی، بهبود مدیریت و ارتقای زیرساخت‌ها تمرکز داشته باشد.

این پژوهش با چند محدودیت همراه بود. نخست، داده‌های کمی بر اساس خودگزارشی پاسخ‌دهندگان گردآوری شد و بنابراین احتمال تأثیر سوگیری ادراکی یا تمایل پاسخ‌دهندگان به ارائه پاسخ‌های اجتماعی مطلوب وجود داشت. دوم، هرچند نمونه پژوهش گروه‌های مختلف فعال در والیبال عراق را در بر می‌گرفت، تفاوت‌های جغرافیایی، سازمانی و حرفه‌ای میان استان‌ها و گروه‌های مختلف ممکن است به‌طور کامل در نمونه منعکس نشده باشد. سوم، بخش کیفی بر دیدگاه ۱۰ نفر از خبرگان استوار بود و اگرچه اشباع نظری حاصل شد، مشارکت گروه بزرگ‌تر و متنوع‌تری از ورزشکاران، مدیران باشگاه‌ها، مسئولان رسانه‌ای و حامیان مالی می‌توانست ابعاد دیگری از موانع را آشکار سازد. همچنین برخی شاخص‌های مدل اندازه‌گیری از پایایی و روایی مطلوب برخوردار نبودند و مقادیر مربوط به روایی واگرا و برازش کلی مدل نیز نشان دادند که نتایج مدل ساختاری باید با احتیاط تفسیر شود. ماهیت مقطعی مطالعه نیز امکان بررسی تغییر موانع در طول زمان و استنباط روابط علی قطعی را محدود کرد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، ابزار سنجش موانع توسعه والیبال با استفاده از مطالعات کیفی گسترده‌تر و اجرای مطالعات مقدماتی بازنگری شود و گویه‌هایی که بار عاملی، پایایی یا قدرت تمایز مناسبی ندارند اصلاح یا حذف شوند. انجام تحلیل عاملی اکتشافی پیش از آزمون مدل تأییدی می‌تواند به شناسایی ساختار دقیق‌تر سازه‌ها کمک کند. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه در استان‌های مختلف عراق به‌صورت مستقل انجام شوند تا تفاوت‌های منطقه‌ای در زیرساخت، منابع مالی، مشارکت اجتماعی و کیفیت مدیریت مشخص شود. مقایسه عراق با کشورهای منطقه نیز می‌تواند به شناسایی الگوهای موفق توسعه والیبال کمک کند. مطالعات طولی برای ارزیابی تغییرات موانع در طول زمان و پژوهش‌های مداخله‌ای برای سنجش اثر برنامه‌هایی مانند توسعه مربیان، ایجاد نظام اسپانسر، اصلاح استعدادیابی یا افزایش پوشش رسانه‌ای نیز می‌تواند شواهد کاربردی‌تری برای سیاست‌گذاری فراهم سازد.

بر اساس یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود فدراسیون والیبال عراق و نهادهای مرتبط ابتدا یک برنامه جامع تأمین مالی تدوین کنند که در آن جذب حامیان مالی، مشارکت بخش خصوصی، ایجاد منابع درآمدی مستقل و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و کسب‌وکارهای دیجیتال در اولویت قرار گیرد. در حوزه منابع انسانی، ایجاد نظام یکپارچه آموزش و گواهی حرفه‌ای برای مربیان و داوران، برگزاری دوره‌های مستمر، استفاده از مدرسان بین‌المللی و طراحی برنامه ملی استعدادیابی ضروری است. همچنین باید انتصاب مدیران بر اساس صلاحیت حرفه‌ای و تخصص انجام شود و سازوکارهای هماهنگی میان فدراسیون، باشگاه‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس و هیئت‌های استانی تقویت گردد. افزایش پوشش رسانه‌ای مسابقات، توسعه برنامه‌های والیبال پایه، حمایت از مشارکت زنان و نوجوانان، استفاده بیشتر از فضاهای آموزشی و دانشگاهی و ایجاد نظام پایش و ارزیابی سالانه برای سنجش پیشرفت برنامه‌های توسعه‌ای نیز می‌تواند به کاهش تدریجی موانع و ارتقای جایگاه والیبال عراق کمک کند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

Sport development is a multidimensional process that extends beyond athletic performance and involves managerial, economic, social, cultural, institutional, infrastructural, and human-resource capacities. In contemporary sport systems, sustainable development depends on the coordination of governing bodies, educational institutions, clubs, private investors, media organizations, coaches, referees, and athletes. From this perspective, the development of a particular sport requires not only sufficient physical facilities but also an integrated system of strategic planning, financing, talent identification, professional training, organizational governance, and public participation. Recent approaches to sport development have increasingly emphasized entrepreneurship, innovation, and the integration of sport policies with broader sustainable-development objectives. Entrepreneurial and innovative approaches in sport education can contribute to the creation of more adaptive and sustainable sport systems by encouraging new methods of service delivery, education, financing, and



organizational development (Al-Hasnawi et al., 2026). Similarly, the interaction between sport and economic development demonstrates that sustainable progress in sport is closely connected with investment, value creation, resource mobilization, and cooperation among public and private stakeholders (Zbiljic & Isakovic, 2025).

Volleyball is one of the major team sports worldwide and requires coordinated development across technical, managerial, educational, economic, and infrastructural dimensions. At the high-performance level, volleyball players require systematic physical preparation and sport-specific assessment. Research on elite volleyball has demonstrated the importance of developing assessment procedures that correspond to the repeated-effort and physiological demands of the sport (Sheppard, 2007). However, athletic performance represents only one component of volleyball development. Sustainable progress also requires structured talent-identification systems, qualified coaches and referees, appropriate facilities, organized competitions, supportive governance, and effective links between grassroots and elite sport.

The quality of talent development is especially important in the Iraqi volleyball context. Evidence from Iraq indicates that effective time management and the quality of the volleyball talent-development system are associated with stakeholder satisfaction, highlighting the importance of organized and efficient developmental processes (Haidar Eissa et al., 2023). Without a coherent pathway for identifying, educating, monitoring, and retaining talented players, the sport may experience discontinuity between youth participation and elite performance. Human-resource development is therefore central to the sustainability of volleyball. Research on the evaluation of professional volleyball coaches has also emphasized the need for systematic and prioritized criteria for assessing coaching performance (Sahebkar et al., 2022). Refereeing represents another critical area, and sport technologies can contribute to the training and professional development of volleyball referees by strengthening educational and career-development mechanisms (Ghezelsefloo & Alavi, 2022).

Strategic management and institutional governance are equally important. The development of sport requires long-term objectives, resource allocation, coordination among institutions, monitoring mechanisms, and clearly defined responsibilities. Strategic planning models in physical education and sport demonstrate the need for systematic organizational planning and alignment between institutional capacities and developmental goals (Taghiyev et al., 2026). Collaborative governance can further strengthen sport development by creating mechanisms through which governmental, educational, and sport institutions share information, responsibilities, resources, and decision-making processes (Vahdani et al., 2026). In contexts where organizational fragmentation, bureaucratic processes, or weak institutional coordination exist, even adequate human and financial resources may not be used efficiently.

Economic capacity is another major determinant of sport development. Professional volleyball requires sustainable funding for training, competitions, facilities, talent programs, coaching, officiating, and organizational operations. Marketing research in volleyball has demonstrated that sponsorship, market development, audience relationships, and commercial management can play important roles in strengthening professional leagues (Sareshkeh et al., 2019). Furthermore, the emergence of digital entrepreneurship and sport startups offers new opportunities for revenue generation, technological services, fan engagement, and innovative sport management (Gol Ara et al., 2026). These opportunities may be particularly relevant for sports that receive less commercial and media attention than dominant sports such as football.

International and social dimensions must also be considered. Sport diplomacy can facilitate organizational learning, international cooperation, professional exchanges, and participation in international competitions. Strategies for international sport diplomacy within volleyball federations highlight the importance of institutional relationships, global engagement, and

the strategic use of international sporting opportunities (Nassiri et al., 2022). International volleyball events may also contribute to sport tourism and wider economic and social development when adequate facilities, management, security, and service systems are available (Rahimi et al., 2016). At the community level, sport contributes not only to physical development but also to broader social and psychological outcomes. Structured sport participation has been associated with improvements in motor and social skills (Wen & Wu, 2025), while multidimensional sport training can simultaneously affect physical fitness and skill development (Yu et al., 2025). Psychological support, confidence-building, and the reduction of fear are also important in creating sustainable pathways for young athletes (Sargsyan, 2026).

The development of a sport within a national system ultimately depends on the strategic decisions used to mobilize resources and create social acceptance. Evidence from the development and introduction of competitive sports suggests that successful expansion requires clear objectives, coordinated strategies, adequate human resources, and institutional support (Wu et al., 2025). Accordingly, identifying barriers without determining their relative importance provides only limited guidance for policymakers. In the Iraqi context, a comprehensive assessment is required to determine whether economic, human-resource, managerial, infrastructural, socio-cultural, or legal-institutional constraints represent the most influential obstacles. Therefore, the aim of the present study was to identify and prioritize the managerial, infrastructural, economic, human-resource, socio-cultural, and legal-institutional barriers to the development of volleyball in Iraq.

Methods and Materials

This applied study employed an exploratory sequential mixed-methods design consisting of qualitative and quantitative phases. In the qualitative phase, thematic analysis was used to identify the principal dimensions and components of the barriers to volleyball development in Iraq. The qualitative population consisted of experts with professional or academic experience in Iraqi volleyball and sport management, including officials of the Iraqi Volleyball Federation, provincial volleyball administrators, high-level coaches, instructors, and sport-management specialists. Participants were selected through purposive expert sampling, and interviews continued until theoretical saturation was reached. Saturation was achieved after interviews with 10 experts.

Data were collected through semi-structured interviews designed to explore managerial, infrastructural, economic, human-resource, socio-cultural, and institutional barriers. Interview transcripts were analyzed through familiarization with the data, initial coding, searching for themes, reviewing themes, defining and naming themes, and producing the final thematic structure. MAXQDA was used to organize and code the qualitative data.

In the quantitative phase, the components extracted from the qualitative analysis were converted into a researcher-developed questionnaire comprising 30 items across six dimensions: managerial, infrastructural, economic, human-resource, socio-cultural, and legal-institutional barriers. Each dimension contained five items scored on a five-point Likert scale from 1 to 5. Content and face validity were evaluated by 10 specialists in sport management and volleyball. The quantitative population included volleyball managers, coaches, referees, sport-development experts, technical committee members, and other individuals actively involved in Iraqi volleyball. Using Cochran's formula with a 95% confidence level and a 0.05 margin of error, a sample size of 384 participants was determined, and stratified random sampling was used.

Quantitative data were analyzed using descriptive statistics and partial least squares structural equation modeling. Normality was examined through the Kolmogorov-Smirnov and Shapiro-Wilk tests. The measurement model was evaluated using indicator loadings, Cronbach's alpha, composite reliability, average variance extracted, and discriminant validity. The structural



model was assessed using path coefficients, t statistics, P values, and overall model-fit indices. SmartPLS was used for the PLS-SEM analyses.

Findings

The qualitative analysis identified six principal categories of barriers: managerial, infrastructural, economic, human-resource, socio-cultural, and legal–institutional barriers. Managerial barriers included weak policymaking, administrative bureaucracy, corruption, and insufficient coordination between sport and educational institutions. Infrastructural barriers included inadequate facilities, shortages of equipment, and deterioration of sport infrastructure. Economic barriers included limited budgets, insufficient financial support, and weak private-sector investment. Human-resource barriers involved shortages of qualified coaches and referees, weaknesses in professional education, inadequate talent-development systems, and limitations in player development. Socio-cultural barriers included the lower popularity of volleyball compared with football and weak social and media participation. Legal–institutional barriers were mainly associated with weak implementation of existing regulations and ineffective institutional mechanisms.

Normality testing showed that the significance level for all questionnaire items in both the Kolmogorov–Smirnov and Shapiro–Wilk tests was 0.000, indicating significant deviation from normality. Accordingly, PLS-SEM was considered appropriate for subsequent analyses.

Descriptive analysis showed that human-resource barriers had the highest overall mean at 3.85, followed by economic barriers at 3.77 and managerial barriers at 3.20. Infrastructural barriers had a mean of 2.95, whereas socio-cultural and legal–institutional barriers had means of 2.78 and 2.77, respectively. Thus, human-resource and economic constraints emerged as the most severe barriers at the descriptive level.

The measurement-model analysis produced mixed results. The economic construct demonstrated the strongest psychometric performance, with a Cronbach's alpha of 0.768, rho_A of 0.860, composite reliability of 0.835, and AVE of 0.542. The infrastructural construct had an AVE of 0.498, which was close to the conventional threshold, although its Cronbach's alpha and composite reliability were lower. Several other constructs showed lower-than-desirable reliability and convergent-validity indices. HTMT analysis also indicated acceptable discriminant validity for some construct pairs but substantial overlap for others. Accordingly, some dimensions of the measurement model should be interpreted cautiously.

Structural-model results showed that economic barriers had the strongest significant relationship with the overall barrier construct ($\beta = 0.946$, $t = 51.904$, $P = 0.000$). Human-resource barriers ranked second ($\beta = 0.877$, $t = 26.846$, $P = 0.000$), followed by socio-cultural barriers ($\beta = 0.786$, $t = 24.840$, $P = 0.000$) and legal–institutional barriers ($\beta = 0.670$, $t = 8.285$, $P = 0.000$). The managerial path was negative and statistically nonsignificant ($\beta = -0.678$, $t = 1.670$, $P = 0.095$), while the infrastructural path was also negative and nonsignificant ($\beta = -0.654$, $t = 0.995$, $P = 0.320$). Therefore, based on the structural coefficients, the barriers were prioritized as economic, human-resource, socio-cultural, legal–institutional, managerial, and infrastructural.

The overall model-fit analysis yielded SRMR values of 0.213 for the saturated model and 0.218 for the estimated model. These values were higher than commonly recommended thresholds, suggesting that the structural results should be interpreted as exploratory rather than definitive.

Discussion and Conclusion

The findings indicate that volleyball development in Iraq is constrained by a multidimensional network of barriers rather than a single isolated deficiency. The strongest evidence concerned economic and human-resource barriers. Economic limitations can affect nearly every component of the sport-development system, including player preparation, coaching,



refereeing, competitions, equipment, talent identification, and organizational planning. The high structural coefficient for economic barriers therefore suggests that sustainable financing should be treated as a central strategic priority.

Human-resource barriers were similarly prominent. Their highest descriptive mean and second-highest structural coefficient indicate that deficiencies in coaching, refereeing, professional education, talent identification, and player development represent fundamental limitations. Increasing budgets without simultaneously improving professional expertise would therefore be unlikely to produce sustainable progress.

Socio-cultural and legal-institutional barriers also had significant structural effects. Increasing the social visibility of volleyball, strengthening media attention, expanding youth and women's participation, and improving cooperation with schools and universities may contribute to a stronger participation base. At the institutional level, greater emphasis is required on enforcement of regulations, organizational accountability, coordination among responsible bodies, and clearly defined developmental responsibilities.

Although managerial and infrastructural barriers were not statistically significant in the structural model, they should not be regarded as unimportant. Qualitative evidence and descriptive results demonstrated the presence of considerable managerial and facility-related problems. Their nonsignificance may partly reflect overlap with other constructs and weaknesses in the measurement model. Consequently, the results should be interpreted through triangulation of the qualitative, descriptive, and structural evidence rather than exclusively through path coefficients.

Overall, the study concludes that improving volleyball development in Iraq requires an integrated national strategy focused primarily on sustainable financing and specialized human-resource development, while simultaneously strengthening social participation, institutional implementation, managerial professionalism, and infrastructure. The findings provide an evidence-based framework for prioritizing interventions, but further refinement and validation of the measurement structure are recommended before the proposed hierarchy is treated as definitive.

References

- Al-Hasnawi, A. A. A., Kadhimi, M. A. A., Aldewan, L. H., Ghazi, M., Kzar, M. H., & Ahmed, M. A. H. (2026). The Impact of Entrepreneurship on Developing Innovative Methodologies in Sports Education Sciences within the Framework of Sustainable Development. *Sustainability and Sports Science Journal*, 4(1), 32-41. <https://doi.org/10.55860/GVFQ8059>
- Ghezelsefloo, H. R., & Alavi, S. H. (2022). The Impact of event-based sports technologies on the training and career development of referees in Iran volleyball super league. *Tech. Edu. J. Edu. J.*, 16(2), 351-336. https://jte.sru.ac.ir/article_1707.html?lang=en
- Gol Ara, P., Adib Saber, F., & Nasiri, M. (2026). Investigating the Factors Affecting the Development of Digital Entrepreneurship and the Launch of Sports Startups in Iran. *Quarterly of Modern Approaches in Management and Marketing*, 4(1).
- Haidar Eissa, D., Abdovi, K., Khodadi, M. R., Hamidi, M., & Abdul, Z. (2023). The impact of time management and the quality of the talent development system in volleyball on stakeholder satisfaction in Iraq. *Scientific Journal of Applied Research in Sports Management*. https://arsmb.journals.pnu.ac.ir/article_10048.html
- Nassiri, R. M. F., Monazami, A. H., Aghaei, H. N., & Rahimizadeh, M. (2022). Strategies for the Development of International Sport Diplomacy in the Volleyball Federation of the Islamic Republic of Iran. *Sport Tk-Revista Euroamericana De Ciencias Del Deporte*, 11, 10. <https://doi.org/10.6018/sportk.465871>
- Rahimi, M., Jalali Farahani, M., Alidoust Ghahfarokhi, E., & Jafari Hajein, A. (2016). Presenting a Model for the Development of Sports Tourism in International Sports Events in Iran (Case of Volleyball). *New Approaches in Sports Management*, 4(13), 35-47. <https://sid.ir/paper/266801/fa>
- Sahebkar, M. A., Ramzaninejad, R., Reihani, M., & Darabi, M. (2022). Identification, Prioritization, and Weighting of Evaluation's Indicators of Volleyball Coaches in Iran Premier League using Analytic Hierarchy Process (AHP). *Journal of Sport Management and Development*, 11(2), 27-46. <https://doi.org/10.22124/jsmd.2021.18437.2484>
- Sareshkeh, S. K., Razavi, S. M. H., Soufi, M. R., & Safania, A. M. (2019). Designing and Preparing the Development Model of Marketing in Volleyball Super League of Iran. *Annals of Applied Sport Science*, 7(4), 28-35. <https://doi.org/10.29252/aassjournal.600>
- Sargsyan, A. (2026). Building Confidence and Overcoming Fear in Youth Soccer: A Psychological Approach to Player Development. *European Journal of Physical Education and Sport Science*, 13(1). <https://doi.org/10.46827/ejpe.v13i1.6475>



- Sheppard, J. M. (2007). Development of a repeated-effort test for elite men's volleyball. *International Journal of Sports Physiology and Performance*, 2(3), 292-304. <https://doi.org/10.1123/ijsp.2.3.292>
- Taghiyev, A., Rahimov, M., Babayev, H., & Khalilov, T. (2026). Strategic Planning Models for the Development of Physical Education and Sports in Higher Education Institutions. *International Journal of Drug Delivery Technology*, 16, 670-677. <https://doi.org/10.25258/ijddt.16.11s.67>
- Vahdani, M., Jalilvand, J., & Rezasoltani, N. (2026). Strategies for Developing Collaborative Governance: The Case of the Physical Education and Health Deputy of Iran's Ministry of Education. *Sport Management and Development*.
- Wen, L., & Wu, Z. (2025). The impact of sensory integration based sports training on motor and social skill development in children with autism spectrum disorder. *Sci Rep*, 15(1), 19974. <https://doi.org/10.1038/s41598-025-05393-3>
- Wu, D. Y., Tan, T. C., & Wang, Y. T. (2025). A new shortcut for competitive sports development? The purpose of and strategy for developing and introducing sepaktakraw in Taiwan. *PLoS One*, 20(1), e0317451. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0317451>
- Yu, L., Gu, Y., Chen, L., & Wan, J. (2025). Experimental Effects of Multi-Dance Sport Training on Student Performance: A Dual Analysis of Physical Fitness and Aesthetic Skill Development. *Frontiers in psychology*, 16, 1522274. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1522274>
- Zbiljic, G., & Isakovic, M. (2025). Synergizing Sports and Economics for Sustainable Development Goals: A Strategic Alliance. *Journal Of Social Sciences*, 17(1), 127-147. <https://doi.org/10.46793/GlasnikDN17.1.127Z>

